

یادگار آینه گذشته و مرآت آینده

نامه های سیاسی

سفیر بریتانیا
یا

پایه سیاست انگلستان در ایران

ترجمه

احمد
توکل

چاپ خودکار ایران



خلاصه ای از اساس نظریات سیاسی که قریب
یکقرن و نیم توسط نمایندگان دولت معظم بریتانیا در ایران
اجرا میشده در این کتاب گرد آورده شده که مطالعه آن
برای علاقمندان بامورسیاسی ، روزنامه نگاران و مخصوصاً
دانشجویان لازم و واجب است .

100

101

102

103

104

اهداء کتاب

بمحضور

پدر بزرگوارم آقای عبدالحسین توکلی
که از هر فرصت برای خدمت بمیهن گرامی استفاده
کرده و همواره روح ایران دوستی و دانش پروری را در
اطرافیان تقویت فرموده اند.

احمد
توکل

بیچ آئینہ گذشتہ و مشرق آئندہ

اسکن شد

نامہ ہامی سیا

سفیر بریتانیا

یا

پایہ سیاست انگلستان در ایران

ترجمہ

احمد
توکلی

چاپ خودکار ایران

دویمه چاه

بشر و تاریخ بهم مربوطند، تصور نمیکنم جمله ای بتوان یافت که بهتر از مهال ایرانی «تاریخ آینه گذشته و سرمشق آینده است» اهمیت تاریخ را تفسیر و تشریح نماید زندگی بشر و تاریخ لازم و ملزوم بوده و یکدیگر را هدایت نموده و هر دو باهم به پیش میروند؛ این روال غیر قابل تغییر است.

آنانکه تصور میکنند شخصاً موجد تحول و تغییرات اند و تاریخ را بوجود میآورند از خود راضی هائی هستند که اشتباه میکنند، قهرمان کسی است که میتواند، از جریان حتمی و غیر قابل تغییر تاریخ، باژنی و نبوغ طبیعی خود برای اجرای منظور و منویاتش استفاده کند.

متأسفانه با وجود دل مهم و غیر قابل انکار تاریخ، مخصوصاً در قرون اخیر که سایر ملل در صدد تدوین تاریخ صحیح خود برآمده اند در این کشور کوتاهی شده و تاریخ نویسی را با افسانه نویسی اشتباه کرده اند، در ضبط اتفاقات بطور صحیح، قصور ورزیده و آنانکه احیاناً حقیقت بین تر بوده و در صدد تاریخ نویسی برآمده اند آنقدر ظاهری و صوری بروقایع نگریسته و بدون در نظر گرفتن رابطه علت و معلول باچنان سادگی آثار را ضبط کرده اند که استفاده از نوشته هایشان غیر ممکن است؛ مگر اینکه بامدارك دیگر تطبیق شده و از ارتباط آنان استنتاج شود.

خوشبختانه جهان مادی ما از جریانها چنان زود متأثر میشود که از هر واقعه بانواع مختلف آثار و علامتی باقی میماند و دیده بصیر و دقیق و فکری روشن بین کافی است که آثار و علائم را تشخیص داده و گردآورد. اگر تاریخ ما، تاریخ فارسی ما، بعلمت تماس و تضاد منافذ دول بیگانه و در نتیجه عوامل خارجی ازجاده حقیقت و صواب بدور مانده است خوشبختانه بقدر کافی آثار آن در جهان باقی است، از جمله این آثار گزارش ها و نامه های نمایندگان دول خارجی مقیم ایران میباشد که بدول متبوعه خود نوشته و وقایعی که اتفاق افتاده باوجود آورده اند طی آن بدولت خرد گزارش کرده اند؛ تهیه و ترجمه آن اوراق بفارسی بر عهده مشتاقین تاریخ و ایرانیان است.

نامه هائی که طی صفحات بعد ترجمه آن بعد از مدتی قریب یکقرن و نیم در دسترس خوانندگان قرار میگیرد از جمله این اسناد است که توسط شرق شناس

(الف)

معروف ویلسن ازین اوراق نردموبیل استخراج و اولین بار در شماره های مجله مجمع آسیای مرکزی (Journ of The Central Asian Society) چاپ و سپس در ۱۹۳۰ بطور جدا گانه منتشر گردیده و همانطور که شرق شناس نامبرده مینویسد « بربیک دوره تاریک از تاریخ رابطه ایران و انگلستان نور افکند » اهمیت این اوراق بیشتر از این جهت است که نویسنده آن کاپیتان ملکلم است که اولین سفیر انگلیسی بود که از طرف کمپانی هند شرقی بایران آمد و گزارش این شخص، بطوریکه طی کتاب ملاحظه خواهد شد، با توجه بحفظ منافع کمپانی تهیه گردیده مبنای پایه سیاست بریتانیا و نظریات مستعمرانی آن کشور بزرگ در ایران قرار گرفت واضح است که رقابت فرانسه تحت رهبری ناپلئون اول، با انگلستان با اهمیت این اوراق می افزاید فقط با مطالعه تمام این کتاب میتوان از نکات برجسته نامه های جان ملکلم و همچنین نامه هایی که در قسمت دوم این کتاب ترجمه شده واقف گردید.

اگرچه اخیراً تحولی در تاریخ نویسی ایران بوجود آمده و استادانی عالی قدر و دانشمند در صدد گرد آوردن تاریخ ایران، مخصوصاً قرون اخیر، برآمده اند ولی چون در چند سده ای که بزمان ما میبوند عوامل سیاسی و اقتصادی و نفوذ بیگانگان سبب شده که اخبار و اطلاعاتی دوزخ حقیقت درد ستیرس مطالعه کنندگان قرار گرفته و اکثر اذهان خوانندگان را از راه صواب بدور میسازد، و بسیار کم دگومان و اوراق قابل استنادی، که بتوان زمینه تاریخ قرار داده و حقایق تاریخی را روشن نمود، در دسترس فارسی زبانان میباشد پویندگان و علاقمندانی لازم است که اسناد را از منابع منعکسه آنها و از روی آثار و علائم آنان گرد آورده و در دسترس مورخین زبردست قرار دهند که باشالوئه صحیح تاریخ ایران تنظیم گردد و در حقیقت سرمشق ملت ایران تهیه شده از تکرار نظایر و قسایم، سده اخیر جلو گیری شود چه فقط بواسطه عدم دسترسی بتاریخ صحیح است که زمامداران ما هر روز طرحی نوین برای اصلاح و نجات کشور پیش میکشند و همه بی نتیجه میماند و همچنین بواسطه عدم دسترسی بتاریخ صحیح بوده است که ماموران افغانستانی ماملعه سیاست هاشده و هر روز بیشتر دوری گرفتیم تا اینکه ملتی پنجهزار ساله اینچنین عقب ماند

امیدوارم این ترجمه، که کاملاً مطابق با اصل و در حقیقت سعی شده تحت اللفظی باشد، مورد استفاده علاقمندان و مخصوصاً دانشمندان و تدوین کنندگان تاریخ ایران قرار گرفته و بار و روشن شدن تاریخ گذشته سرمشقی برای آیندگان تهیه شود

تهران مرداد ماه ۱۳۲۷

احمد توکلی

(ب)

برخی از نامه های کاپیتان (سروان) جان مالکلم

(مامور اعزامی حکومت بریتانیا بدربار اعلیحضرت شاهنشاه ایران)

دسامبر ۱۷۹۹ تا مه ۱۸۰۱

این نامه ها قسمتی از اوراق عالیجناب هانری دنداس (۱) است (بعداً ملقب به ویسکونت ملویل (۴) گردید) که رئیس سازمان نظارت بر امور کمپانی محترم هند شرقی بود. حاوی جریان مسافرت سر جان مالکلم از بمبئی بوشهر، شیراز، اصفهان و بالاخره بغداد میباشد و مشروحاً جریان مذاکرات مشارالیه در خصوص زمانشاه کابل و نقشه فرانسه و روسیه و دو موافقت موققت آمیزاوبا ایران را روشن میسازد. همچنین نامه هایی: از یک مبلغ کاتولیک رومن مقیم اصفهان (که در اصل لاتن نوشته شده بوده است)، از آقای کامپبل (۴) (بعداً سر جان کامپبل نامیده و بسمت فرستاده بریتانیا ایران اعزام شد) کارمند وزارت مختاری بریتانیا در ایران، یک نامه بعنوان لرد الچین (۴) سفیر بریتانیا در قسطنطنیه را نیز منضم است. انتشار این نامه ها بريك دوره مهم و جالب توجه از روابط انگلیس و ایران نوری تازه تابید. بعلاوه نامه های منتشر نشده دیگری هم هست که از طرف جانشینان سر جان مالکلم، (۵) سره ج. بریج (۶) و سر ر. ک. پرت (۷) که بعنوان لرد ملویل نوشته شده و در شماره های بعدی این مجله چاپ خواهد شد

۱۰ ت ویلسون



۱- جناب جلالتمآب هانری دنداس رئیس سازمان نظارت

بمبئی

۱۷ دسامبر ۱۷۹۹

آقای محترم

بنا بدستوریکه هنگام انتصاب بماموریت دربار ایران از عالیجناب فرمانفرمای کل دریافت داشتم باید جریان پیشرفت و وضع مذاکرات ماموریتی

1 — Henry Dundas 2 — Viscount Melville 3 — Campbell
4 — Lord Elgin 5 — Sir John Malcolm 6 — Sir H. J. Brydges 7 — Sir R. K. Porter

را که افتخار انجام آن بعهده اینجانب محول شده باطلاع جنابعالی برسانم .
به پیروی و برای اجرای این امر در هر فرصت که پیش بیاید آنچه را که دارای
کوچکترین اهمیتی هم باشد گزارش خواهم داد .
روز ۲۵ یا ۲۶ ماه جاری بمبئی را ترك گفته اول بطرف مسقط خواهم
رفت - در آنجا بر طبق امر فرمانفرمای کل ومیل حاکم بمبئی مذاکرات
مفصلی با امام در خصوص رفتار اخیر او « که ظاهراً مخالف تعهداتش نبوده
ولی متضمن طرفداری از دشمنان ملی بریتانیا مخصوصاً فرانسه است و از
اینجهت مورد سوء ظن میباشد » آغاز خواهم کرد .
منظور از مذاکرات این خواهد بود که علناً یا بطور خصوصی یکی از
مستخدمین کمپانی را بعنوان نماینده مقیم در مسقط مستقر نمایم زیرا این
تنها وسیله مؤثر نظارت در رفتار امام خواهد بود .
از مسقط بقصد بوشهر حرکت خواهم کرد ولی این قسمت که از آن بندر
مستقیماً بدر بار ایران بروم یا از راه بصره وبغداد عازم گردم بسته به پیش آمد
و مقتضیات خواهد بود .



۲- بعنوان همان شخص

ابوشهر

سوم فوریه ۱۸۰۰

آقای محترم

در مورخه ۲۷ ماه گذشته از بمبئی مفتخر بعرض نامه ای بجنابعالی شدم .
بعد از چند روز اقامت در مسقط، اینك ورود خود را باین بندر اطلاع میدهم .
مذاکرات ما با امام مسقط منتهی بموافقت نامه ای شد که او را بنکات زیر
مقید کرد : اولاً الزام و تعهد او در اجرای کامل تعهدات قبلی ثانیاً اقامت يك
نماینده انگلیسی را در پایتختش پذیرفت این اقدام ، بدون تردید ، بهترین
وسيله حفظ منافع انگلیس در نزد امام بوده و او را از هر گونه ارتباط با
فرانسویها باز خواهد داشت . امام جوان فعال و کاردانی است . اتباع او
کارهای حمل و نقل بین هندوستان و خلیج فارس و دریای سرخ را انجام میدهند .
علاوه بر فرمانروائی ابن ناحیه ، خودش اولین تاجر کشورش هم بوده و
اموال خود و اتباعش را بوسیله ناوگانی که نمیتوان آنرا بی اهمیت تلقی کرد
حفاظت مینماید پنج فروند از کشتیهایش بمنزله رزومه نامی باشند و سه تای آنها
هر يك بیشتر از بیست توپ دارند و بقیه کشتیهای مسقطی عبارتند از ۲۰ فروند که
بروش اروپائی مجهز شده و سیصد زورق عربی که همگی کم و بیش مسلح بوده
و برای حفاظت از حملات دزدان دریائی بشمار می آید که سواحل طرف معامله آنها را

تهدید می‌کنند بکار برده میشوند.

در نظر دارم پس ارزشش یا هفت هفته از اینجا قصد تهران حرکت نمایم و از قرائن پذیرائی شایسته‌ای را پیش‌بینی می‌کنم.
از خبرها چنین برمی‌آید که باباخان (۱) در اوایل مارس بطرف خراسان خواهد رفت دلائل بسیاری، اتفاقات و حوادثی را ممکن الوقوع نشان می‌دهد. هر عملی که او متحماً برای استقرار نفوذ خود در آن نواحی بکند ترس حمله زمانشاه به هندوستان را در این سال مرتفع می‌سازد.

۴- بعنوان همان شخص اردوگاه نزدیک ابوشهر
۲۰ آوریل ۱۸۰۰

آقای محترم

در سوم فوریه از ابوشهر به تقدیم نامه‌ای برای جناب عالی مفتخر شدم که مشعر بخرورودم بایران و ارسال نامه‌ای بتهران برای شاه بود پاسخ نامه مزبور راه‌مواره انتظار دارم که بنابه مندرجات آن مسافرت خود را که بستگی زیادی بمسافرت اعلیحضرت، که اخبار مختلف عزیمت او را بصوب خراسان تأیید می‌کند، تنظیم نمایم.

خبر ورود من بایران بدربار رسیده و اوامری که در اینخصوص صادر شده قویاً نشان می‌دهد که این میسیون توجه و رضایت شهریار و وزرایش را کاملاً جلب کرده است

اخبار مختلف حاکی است که چند نفر از سران و بزرگان خراسان متحد شده اند تا در مقابل ایرانیان مقاومت کنند و زمانشاه هم برای آنها کمک فرستاده و خودش نیز برای یاری بآن طرف پیش میرود اخبار تایید شده‌ای که از دربار زمانشاه رسیده حاکی است که او اخیراً دوازده نفر از روسای ایلات را بجرم ارتباط مخفی آنان با برادر فراری خودش که در دربار ایران است بقتل رسانیده و این اقدام خشونت آمیز باعث شورش شدید، در بین ایلات افغانی که مقتولین بآنان منسوب بوده اند، شده است. ظواهر امر نشان می‌دهد که در حال حاضر حفظ آرامش کشور و همچنین جلوگیری از پیشرفت پادشاه ایران بیش از آن زمانشاه را مشغول داشته که فکر حمله به هندوستان را بکند.



۴ - بعنوان همان شخص

اردوگاه نزدیک ابوشهر

۲۰ مه ۱۸۰۰

آقای محترم

در ۲۰ ماه گذشته مفتخر به تقدیم نامه‌ای برای جنابعالی شدم اینک خوشوقتم اطلاع دهم که نامه‌ای از شاه ایران (در پاسخ نامه‌ای که هنگام ورود به ابوشهر فرستاده بودم) دریافت داشته‌ام که بطرز بسیار ملاحظت آمیزی نوشته شده و حاکی از خشنودی پذیرفتن این هیئت می‌باشد.

چون اعلیحضرت مایل بحرکت فوری اینجانب است قصد دارم بدون از دست دادن فرصت در اجرای این امر وجلب توجه بکوشم لذا در ۲۵ ماه جاری ابوشهر را ترک خواهم گفت ولی از قرائن تصور میکنم لازم باشد که چندی یعنی تا واسطه ژویه در شیراز توقف کنم زیرا انتظار ندارم که قبل از آن موقع بتوانم تاریخ مراجعت اعلیحضرت بیابن تخت را بدانم.

اکنون مسافرت شاه قطعی است و خوشوقتم از اینکه اطلاع بدهم بنا بر اخبار موکد که دریافت داشته‌ام قیامهای شدیدی در کشور افغان برپا است که با در نظر گرفتن اقداماتی که در این نواحی میشود بعقیده اینجانب غیر ممکن است زمانشاه بتواند حتی در سال آینده فکر حمله بهند را بکند. مطمئن باشید طی مدت اقامتم در دربار ایران نهایت سعی را خواهم کرد که هر گونه خبر مربوط بوضع کنونی ایران و یا روابط سیاسی و اقتصادی این کشور با ممالک همسایه، اگر چه کم اهمیت هم باشد، کسب کرده و با اطلاع برسانم.

نمیتوانم مراتب خوشوقتی که از افتخار انجام این مأموریت در تحت نظر جنابعالی باینجانب دست میدهد تشریح کنم.



۵ - بعنوان همان شخص

شیراز

۱۶ ژوئن ۱۸۰۰

آقای محترم

مفتخرم ورود خود را بشهر شیراز بجنابعالی اطلاع دهم - در این شهر بانهایت احترام از طرف شاهزاده حاکم پذیرائی شدم. خوشوقتم که با وثوق و اطمینان خاطر با اطلاع برسانم شورش شدیدی در نواحی تابعه زمانشاه روی داده که محتمل است امیر نامبرده مدتی ناچار از مجادله برای تصاحب قلمرو خودش باشد نه بفکر حمله بخاک دیگران.

شاه ایران بطرف خراسان حرکت کرده و اخبار رسیده حاکی است برخی از روسای مهم آن ایالت تسلیم قشون پیشرفته او شده‌اند و این خود

دلیل بارزی است که دردستگاه حکومتی افغان که این بزرگان با آن روابط بسیار صمیمانه داشته و همواره چشمداشت حمایت داشتند، بی‌نظمی ظاهر شده است.

ظواهر امر نشان میدهد که وضع حاضر از هر حیث مخالف میل زمانشاه است چه اگر پادشاه ایران بتواند فقط بر آن قسمت از خراسان که فعلاً در اختیار روسای مستقل است دست یابد اساس قدرت زمانشاه را متزلزل خواهد ساخت با این مقدمه موضوع اینکه او بتواند اوضاع قسمت شمالی هندوستان را تأیید یا دو سال دیگر مختل نماید غیر قابل بحث است و اعتماد باین حقیقت مرا وادار میکند (که اگر تغییر غیرمنتظره‌ای روی ندهد) آن قسمت از ماموریتم که مربوط باین موضوع است مسکوت بگذارم.

تصور میکنم یکماه یا شش هفته در اینجا بمانم زیرا سرعت حرکت شاه امیدی باقی نمیگذارد که بتوانم پیش از مراجعت بتهران که محتمل است در سپتامبر یا اکتبر باشد او را ببینم.

☆☆☆

۶. بعنوان همان شخص

اردوگاه نزدیک شیراز

۲۰ ژوئن ۱۸۰۰

آقای محترم

در ۱۶ ماه جاری مفتخر بعرض نامه‌ای بجنابعالی شدم اکنون باید اطلاع دهم که شاه نامه‌ای بتاریخ ۴ ماه جاری از سبزوار که شهری در نزدیکی مرکز خراسان است به شاهزاده حاکم شیراز نوشته که او آنرا برای مطالعه اینجانب فرستاد.

نامه مذکور مختصراً حاکی از موفقیت‌های اعلیحضرت در خراسان است که تمام رؤسای مستقل آن ناحیه تسلیم شده و بقشون^۱ او ملحق شده‌اند جز نادر میرزا حاکم مشهد و ممش خان چنارانی (۱) که چندین مرتبه التماس و استرحام کرده ولی بواسطه اقدامات خیانت آمیز سال گذشته ملتمس او رد گردیده است شاه تصمیم دارد که فوری بطرف مشهد حرکت کند.

ضمناً می‌نویسد که وزیر زمانشاه دو مرتبه بوزیر حاجی ابراهیم صدر اعظم نامه‌ای نوشته و پیشنهاد صلح کرده و سفرائی هم از دربار امیر افغان بطرف اردوگاه شاهی حرکت کرده‌اند. مطالب عمده نامه اعلیحضرت این بود که سبب شادی عمومی در این ناحیه شده است.

اقدامات زمانشاه که طبعاً ناشی از ضعف او است شاه ایران را بجای
اینکه منصرف کند بیشتر ترغیب بحمله بکشور او مینماید .

۷- بعنوان همان شخص

شیراز

۱۰ اوت ۱۸۰۰

آقای محترم

آخرین نامه‌ای که بجنابعالی نگاشتم در ۱۶ ژوئن بود و سکوت این
مدت باین علت بود، خبری که ارزش تصدیع جنابعالی را داشته باشد نداشتم .
اقامت شیراز را باین امید طولانی کرده‌ام که خبر قطعی از موفقیت
های شاه در خراسان برسد ولی تاکنون چنین خبری نرسیده است اگر چه
خبرهای موقتی دارم که زمانشاه در ۱۰ ماه گذشته بهرات آمده و در نتیجه
شاه ایران سربازان خود را که برای محاصره قلاع کوچک-تیم کرده بود
جمع‌آوری نموده است و حدس نزدیک بیقین اینست که پادشاه ایران مجبور
شود برای تهیه سیورسات بیایتختش بازگردد .

اشتغال زمانشاه در این حدود بخودی خود بقدری مهم است که بنظر غیر
متحمل میاید رشته اتفاقات او را طوری آزاد بگذارد که بتواند طرح و نقشه
خود را چه در سال جاری و چه در سال آینده تجدید نماید .

خوشوقتیم که اطلاع دهم حکومت پیدیرائی گرم و مراقبت دقیق خود
در باره من همچنان اهتمام میورزد .

مشغول فراهم کردن مقدمات هستم که از شیراز حرکت کنم و اگر
پیش آمد غیر مترقبه ای روی ندهد ۸ یا ۱۰ روز دیگر بصوب تهران
خواهم رفت .

۸- بعنوان همان شخص

شیراز

۱۸ اوت ۱۸۰۰

آقای محترم

در تاریخ دهم ماه جاری مفتخر بعرض نامه‌ای بجنابعالی شده و احتمال
بازگشت شاه را از خراسان اطلاع دادم اکنون خبر موقتی دارم که بطرف
پایتخت حرکت کرده و ممکن است در اواخر سپتامبر یا نجا برسد. در همین
چند روز بقصد حرکت بطرف اصفهان و اقامت کوتاهی در آن شهر از شیراز
حرکت خواهم کرد. سعی دارم بلافاصله پس از ورود اعلیحضرت بتهران برسم.

۹ - بعنوان همان شخص

اردوگاه نزدیک اصفهان
۲۶ سپتامبر ۱۸۰۰

آقای محترم

مفتخرم که جنابعالی را از ورود خود باصفهان مستحضر نمایم در اینجا بطرز بسیار جالبی پیشواز و پذیرائی شده ام عموم طبقات ابراز شادی و نسبت بموقعیت این هیئت و تجدید روابط دوستی بین ایرانیان و ملل بریتانیا که مسبوق بسوابق است اظهار امیدواری نموده اند . در آخرین نامه بتاریخ ۱۸ ماه گذشته بعرض رسانیدم که شاه ایران بطرف پایتختش حرکت کرده و اخیراً خبر رسید که وارد شده است امیدوارم بتوانم تا تاریخ ۲۰ اکتبر افتخار یافته احترامات را در دربار تقدیم دارم . مفتخرم که برای اطلاع جنابعالی خلاصه ای از اخباری را که اخیراً از حاجی خلیل خان دریافت داشته ام و اخلاق و رفتار حاجی نامبرده تضمین کافی برای اعتماد باین اطلاعات است در پیوست تقدیم دارم . باید اضافه کنم که اگر موافقت سلاطین ایران و افغان را که ضمن اخبار بدان اشاره شده صورت گرفته باشد بسیار محتمل است که از روی عدم صمیمیت و یکرنگی طرفین بوده است - بخصوص از طرف زمانشاه که خود داری علنی او از مساعدت و حمایت رؤسای مستقل خراسان تسلط شاه ایران را کاملاً آسان میسازد و این عمل حکومت افغان را باچنان خطری روبرو خواهد ساخت که باسانی نمیتوان باور کرد امیر (پرنس) آن ملت بتواند (اگر اتفاق غیر مترقبه ای ایجاد ننماید) اقدامات سیاسی که چنین نتیجه ای بارآورد بسا طیب خاطر بپذیرد .

☆☆☆

خلاصه اطلاعات سری که حاجی خلیل خان کسب کرده است
اقلید

۱۴ سپتامبر ۱۸۰۰

پیش از اینکه شاه بطرف خراسان حرکت کند بجای ابراهیم وزیرش دستور داد که او از طرف خودش نامه ای بوفادار خان وزیر زمانشاه بنویسد و متذکر شود که بهتر است از اشتغال نائره جنگ با ترتیباتی که موافق باعدل و انصاف باشد جلوگیری شود و تذکر دهد شاه ایران بنابر اصول شرافت و اخلاق حمایت امیر محمود را که برادر بزرگ زمانشاه است بعهده گرفته و در نظر نداشته که او را بامارات کابل برساند

بلکه با واگذاری هرات و توابع آن بمحمود کاملاً راضی خواهد بود . طی پاسخی که باین نامه رسید وفادار خان نوشته بود الزام به انتزاع هرات که مورد نظر است ، بهانه جنگی شاه ایران و بتحریر و افساد انگلیسهای بیدینی است که اگر طی دو سال گذشته از حمله های فرمانروای او بمستملکات آنان در هندوستان جلوگیری نشده بود تاکنون نیمی از آنها را از بین برده بود ؛ در این نامه سعی شده بود با دلیل و برهان بدی و قبیح اینکه برای رضای خاطر کفار مومنین یکدیگر را از بین ببرند تشریح شود . حاجی ابراهیم در پاسخ نوشت بفرض که دوستی با انگلیس یکی از چند علت اقدامات پادشاه ایران باشد ولی مردمان بافراس و صاحب نظر میدانند که در کار های سیاسی بمذهب کمتر توجه میشود و تکرار کرده بود که فرمانروای او راضی نخواهد شد مگر وقتی که هرات منزع شود .

وقتی شاه قلعه مزینان را تصرف و سبزوآرا را محاصره کرد يك افغانی محترم از طرف وفادار خان نامه ای باچند شال ظریف بعنوان هدیه برای حاجی ابراهیم آورد در این نامه وفادار خان نوشته بود بشرطی که پادشاه ایران از حمایت امیر محمود بگذرد و اطمینان بدهد بمتصرفات افغان حمله نکند تا زمان شاه بتواند آزادانه طرح و نقشه خودش را در هندوستان تعقیب کند . امیر افغان هم از حمایت روسای خراسان خود داری خواهد کرد و تمام آن ایالت تا چند میلی هرات را رها خواهد کرد تا بتصرف شاهان ایران درآید باید دانست که قبلاً نیز یکبار زمان شاه از پشتیبانی و کمک سران خراسان خود داری کرد و ضعف و نفاق آنان سبب شد که نتوانستند مقاومت و پایداری کنند . گفته میشود باصلاح دید و توصیه حاجی ابراهیم ، شاه ایران این پیشنهاد را باسکوت و رضا تلقی کرد تا از اینوسيله استفاده نموده و بسرعت برایالت خراسان و قلاع متعدد آن ، که با فشار تصرف سریع آنها مشکل بود ، دست یابد . پادشاه چنین وانمود میکند که این مذاکرات صرفاً از طرف شخص حاج ابراهیم اجرا و انجام شده است و میتوان یقین داشت که وقتی به منافع منتظره از این پیشنهاد (دست یافتن بر لا اقل عده ای از بزرگان خراسان را آسانتر خواهد ساخت) توفیق یابد اختیار وزراء را برای چنین توافقی انکار خواهد کرد .

دو دلیل هست که این اخبار را تایید میکند یکی اینکه چند روز پس از ورود افغانی حامل آخرین نامه ، شاه به امیر محمود پیغام فرستاد که « وضع هوا او را مجبور میکند که بتهران بازگردد تا سال آینده نمیتواند اقدامی بکند بنابراین بهتر است که امیر به طبس یا ترشیز رفته

وزمستان را در آنجا اقامت نماید، بروسای عرب آن نواحی (۱) هم دستور داده خواهد شد که در حمله بهرات با او مساعدت نمایند « محمود هم مخفیانه و با اکراه حرکت کرد و اکنون در طبس است . دیگر اینکه شاه از سبزواری و زمانشاه از هرات بفاصله یکروز حرکت کردند و وقوع این اتفاق بدون توافق قبلی مشکل بود .

شاه يك پادگان نیرومند پیاده در مزیان گذاشته و همچنین عده زیادی سوار نظام که دستور دارند در نواحی سبزواری و نیشابور دائماً بعملیات تهاجمی ادامه دهند که ساکنین این دو قلعه را در فشار گذاشته و عمل تسلیم آنها در سال آینده را تسهیل و حتمی نمایند . زمانشاه پس از انتصاب پسرش بحکومت هرات، از راه کم آمدورفتی بطرف قندهار حرکت کرد و زمانخان حاکم را که از روسای بزرگ و متنفذ افغان است همراه برده میتوان گفت این شخص تنها رئیس مقتدری است که باقیمانده و بقیه بدستور وزیر وفادار خان بقتل رسیده اند .

حاجی خلیل خان میگوید فقط این اطلاعات را توانسته از منابع قابل اطمینان کسب کند . دیروز خبر رسید که چون زمانخان حدس زده بود که وزیر وفادار خان قصد جان او را دارد لذا بقلعه ای که عده زیادی از اتباعش در آنجا گرد آمده بوده اند گریخته و از آنجا به امیر محمود نوشته که با آنها به پیوند و محمود نیز باتفاق حاکم طبس بطرف آن ناحیه حرکت کرده است این خبر هنوز تأیید نشده است

جان ملکم (فرستاده)



۱۰- بعنوان همان شخص

اردوگاه نزدیک اصفهان
۲۸ اکتبر ۱۸۰۰

آقای محترم

مفتخرم که برای مزید اطلاع شما اوراقی حاوی اخبار به پیوست تقدیم دارم . یکی از این گزارشها از کشیش کاتولیکی که مقیم اصفهان است کسب شده و دیگری از مسافر گرجستانی که چهار ماه قبل از تفلیس آمده است . با اینکه یقین دارم جنابعالی نیز از عملیات نمایندگان فرانسه که بایران اعزام شده بودند مطلع هستید و در عین حال نسبت بصحت این اخبار هم کاملاً مطمئن نیستم ولی چون ممکن است موید اطلاعات و اخبار جنابعالی باشند باتقدیم آنها مصدع میشوم .

۱- اطاعت این روسا ظاهری و اسمی است .

علت اینکه نمایندگان مزبور نتوانستند شاه سابق ایران را وادار بحمله بامپراطوری ترك نمایند میتوان نتیجه روش و رفتار فرومایه و مشكوك آن نمایندگان دانست زیرا از ترس اینکه مسافرت و اقدام آشكارشان در بار قسطنطنیه را از غفلت و بیخبری كه ادامه آن در آن موقع مورد علاقه دولت فرانسه بود بدر آورد ؛ این نمایندگان بالباس مبدل حرکت نمودند و این اقدام آنها سبب شد كه اعتماد زیادی به گفته های آنها نشود و الا هیچ پیشنهادی تا این اندازه با نظریه شاه ایران كه مترصد استفاده از فرصت و دست یافتن بشهر های بغداد و بصره بود موافقت نداشت .

نسبت باخباری كه مسافر گرجی داده نیز نمیتوان اطمینان زیادی داشت بی شك برخی مطالب آن مبالغه آمیز است ولی شكی نیست برای تحت الحمايه قراردادن ایالت گرجستان از طرف امپراطور روسیه اقداماتی شده است و نفراتی برای حفاظت مركز آن ، قفقیس ، اعزام گردیده اند اما اخبار و دلائل مؤ كدی مرا مطمئن میسازد كه عملیات دولت نامبرده در این قسمت آسیا ، هر چه كه باشد ، ترس بسیاری برای هر دو دولت ایران و ترك بوجود خواهد آورد .

بیم آن میرود كه عملیات و تحریكات روسها در گرجستان و ارمنستان تولید اشكال در انجام ماموریت اینجانب بنماید و حتی ممانع موفقیت و تكمیل آن گردد چه ممكن است شاه ایران مجبور شود قوای خود را در شمالغربی قلمروش متركز كرده و بكار بگمارد و از تعقیب و اجرای نقشه ای كه هم اکنون در دست اقدام است یعنی از ضمیمه كردن ایالت خراسان بقلمرو خودش منصرف شود و یا اقلا اجرای آنرا مدتی بتأخیر بیندازد چنین تغییری زمانشاه را كاملا آزاد خواهد گذاشت كه بفكر تجدید و تعقیب نقشه قدیمی و لشكر كشی و تهدید هندوستان بیفتد نتیجه آن از نظر سیاسی كاملا بامنافع شركت محترم هند شرقی منافات خواهد داشت ولی در عین حال ممكن است از نظر تجاری بسود شركت باشد زیرا اختلاف بین دو كشور تجارت بحر خزر را ناگزیر متوقف خواهد ساخت و با استفاده از این فرصت میتوان تجارت خلیج فارس را توسعه داد .

استعدادارم از اینكه جسارت و رزیده و با تقدیم نظریات و حدسهای خود تصدیع داده ام معفوم دارید - امیدوارم بلافاصله بعد از ورود بتهران كه در ۱۲ یا ۱۳ نوامبر خواهد بود بتوانم در این موضوع و سایر قسمتها خبرهای صحیح تری بجنابعالی بدهم .

☆☆☆

ترجمه اخباری که مبلغ کاتولیک رومن ساکن اصفهان بزبان لاتین نوشته است

۲۳ اکتبر ۱۸۰۰

در اواخر اکتبر سال ۱۷۹۵ میلادی دونفر فرانسوی که خود را گیاه شناس معرفی میکردند بامترجمشان وارد اصفهان شدند .

آنها از راه حلب ، بغداد بهمدان رفته و بعد از صعود بیالای کوه الوند و گردآوردن انواع نباتات عازم تهران شده و بالاخره باصفهان آمدند در اینجا من با آنها ملاقات کرده و منظورشان را از مسافرت بشهران سؤال کردم ولی آنها که از پیروان مذهب جدید فرانسوی و دشمن کاتولیک بودند میل نداشتند که من براسرارشان واقف شوم و فقط نام خود را بمن گفتند یکی بنابارت (۱) و دیگری دریوس (۲) نام داشت . تصادفاً مترجم آنها کاتولیک بود و بمن گفت که آنها از آقا محمد خان درخواست کرده بودند که او قشونی از راه خشکی بفرستد و آنها از سمت دیگر بامپراطور قسطنطنیه حمله کنند و همچنین تقاضا کرده بودند آقامحمدخان ۱۲ هزار سرباز بكمك تيوسلطان بفرستد آقا محمدخان با هيچيك از درخواستهای آنها موافقت نکرد ناچار بدون گرفتن نتیجه باز گشتند ؛ بعلاوه اطلاع یافتم که اجازه خواسته بودند در بندر عباس یا جای دیگری برای تمرکز تأسیسات خود بناهایی بسازند اما آقامحمدخان باین پیشنهاد هم رضایت نداده بود آنها پانزده روز در اصفهان مانده و سپس بیفداد باز گشتند .

ترجمه برابر اصل است - ر. استراچی معاون

R. Strachey Asst.

☆☆☆

زبده اخباری که گرجستانی اهل تفلیس داده است

اصفهان

۲۶ اکتبر ۱۸۰۰ میلادی

خبر هامر بوط بچهار ماه قبل است که راوی موطنش تفلیس را ترك گفته است میگوید : ده هزار نفر سرباز روسی که بیشتر آنها پیاده نظام بودند باچهل توپ رسیده و فرمانده آنها بنا بامر امپراطور بل ، گرگین خان پسر بزرگ هرا کلیوس (۳) را که بجانشین پدر انتخاب شده بود ازکار برکنار کرده و او در یکی از قصبات نزدیک تفلیس اقامت گزیده است شش پسر جوان تر هرا کلیوس که باروسها مخالف بودند از تفلیس خارج شدند و بزرگترین

(1) Buonaparte (2) Drius (3) Herakly

آنها الکساندر فرار کرده و برای استعانت نزد شاه ایران آمده و اکنون در دربار است. نفرات روس اغلب بستگان خود را نیز همراه آورده و اعلام داشته اند که منظورشان دفاع از گرجستان است که اکنون آنرا یکی از ایالات روسیه محسوب میدانند. شهرت داده بودند که منتظرند ده هزار نفر دیگر نیز در سال آینده بطرف ابروان پایتخت ارمنستان پیش بروند زیرا باخان آنجا نیز توافق حاصل کرده اند و همچنین نقشه و منظور امپراطور پل اینست که تمام مسیحیان آسیا را در مقابل جور و ظلم همسایه های متعصب و مستبد آنها حمایت نماید. فرمانده کل قوای اعزامی روسیه یکی از افسران خود را از تفلیس به ایران اعزام داشته و به شاه ایران پیغام فرستاده که اولاً مسیحی هائی را که در زمان آقا محمدخان از گرجستان باسارت گرفته شده آزاد نمایند ثانیاً غرامت خسارتی که از این عمل شدید بدولت روسیه وارد آمده بپردازند. راوی مدعی است که این افسر هنگام مسافرت شاه بخراسان وارد تهران شده تا مراجعت اعلیحضرت در منزل میرزا محمدخان بیگلربیگی اقامت گزید هنگامی که شاه از ماموریت او مطلع شد بقدری غضبناک شده بود که میخواست آن افسر را بکشد ولی وزرایش او را از اینکار منصرف کرده و پاسخ فرستاده شد که فرمانده روسی صلاحیت ندارد فرستاده ای بدربار ایران گسیل دارد اگر امپراطور روسیه که او نیز فرمانروائی نظیر پادشاه ایران است خواهشی یا درخواستی دارد باید سفیری با اعتبار نامه صحیح اعزام دارد. افسر فرستاده پس از دریافت این پاسخ فوراً از تهران حرکت کرده و برشت رفت که از آنجا مستقیماً به هشترخان بروند و دیگر بتفلیس بازنگردد.

جان ملکم (فرستاده)



۱۱- به عنوان همان شخص

تهران

بتاریخ ۱۷ نوامبر ۱۸۰۰

آقای محترم

مفتخرم اطلاع دهم که بتهران وارد شده و با رفتاری شایسته نظیر آنچه که در سایر شهرهای ایران شده بود پذیرائی شدم. دیروز افتخاریافته بحضور اعلیحضرت باریافتیم مراحم التفات آمیز و مهربانی فوق العاده ای که شامل شده ام، احترام ایشانرا نسبت بحکومت انگلستان کاملاً ثابت میکند و نشانه اطلاع کامل از اهمیت منافعی است که از این اتحاد انتظار میرود.



۱۴- بعنوان همان شخص

تهران

۲۱ ژانویه ۱۸۰۱

آقای محترم

مقتضی که وصول نامه مورخه ۱۹ اوت ۱۸۰۰ جنابعالی را اطلاع داده و بعرض برسانم تأخیر پاسخ برای تهیه اطلاع کافی و تقدیم گزارش از نتیجه ماموریتم بود.

اکنون خشنودم از اینکه اطلاع دهم مذاکرات طولانی ما منتهی به دو تعهد شد یکی سیاسی و دیگری تجاری که یقین دارم عالیجناب فرمانروای کل آنرا تصویب خواهند فرمود زیرا بنظر اینجناب، این تعهدات تمام مواضعی را که جناب ایشان هنگام اعزام اینجناب بدربار ایران متذکر بودند پایان میدهد. در تعهد نامه سیاسی شرط شده است که هیچیک از متعاهدین نباید بهیچوجه بادشمن کشور متعاهد دیگر کمک نماید. و شاه ایران هنگام اقدامات امیر افغان برای حمله و تصرف هندوستان، بمرز غربی قلمرو او حمله نماید و هروقت که بنا بر مقتضیات بخواهد با آن امیر صلح نماید یکی از شرایط صلح ملزم و متعهد کردن افغانها به خود داری از حمله به هندوستان باشد و عدم توجه باین شرط بمنزله لغو قرارداد خواهد بود و در اینصورت بارتش ایران امر خواهد شد که بسرزمین آن قوم حمله نماید.

درخصوص فرانسویها شاه ایران تعهد کرد که آنها را دشمن شناخته و با تمام قوا بر علیه آنها اقدام نماید و اجازه ندهد در هیچیک از جزایر و سواحل خلیج فارس یا هر جای دیگر در داخل یا حدود قلمرو او مستقر شوند. بعلاوه تعهد کرده است که هیچگاه بآن ملت اجازه ندهد که در حیطه تصرف و حدود حاکمیت او قلعه ای بنا سازند از طرف دیگر کمپانی نیز تعهد مینماید در موقعیکه امیر افغان قصد حمله بایران داشته باشد توپ و سایر لوازم نظامی را که مورد لزوم شاه ایران باشد تهیه کرده تحویل نماید بعلاوه متعهد است که اگر فرانسویها قصد استقرار در خلیج فارس یا حدود حاکمیت امپراطوری ایران را داشته باشد هر قدر که میتوانند کشتی، نیرو و نفرات برای اخراج آنها بفرستد و همچنین در حدود توانائی بافرستادن آذوقه و مهمات و نفرات، سلاطین ایران را در انجام این مقصود یاری نمایند. یقین دارم تعهدات تجارتی که شده نیز بهمان اندازه با منافع کمپانی محترم موافق می باشد. زیرا نه تنها تمام توافقاتی سابق

تأیید شده بلکه اجازه نیز داده شده که درهر بندر و یا شهر ایران که لازم بشود نمایندگی تجارتی تأسیس و برقرار گردد و حقوق گمرکی برمواد خام و کالاهای کمپانی که در گذشته هیچگاه از دو ونیم درصد کمتر نبوده و از چندین سال پیش چهار درصد بوده است اکنون بیك درصد تنزل داده میشود . در باره واگذاری جزیره ای در خلیج فارس بکمپانی محترم، مذاکراتی شد ولی وقتی فهمیدم دربار مایل است این واگذاری را باموضوعهائی که خارج از حدود اختیارات من است مربوط نماید بهمین قدر راضی شدم که راه مذاکرات در اینخصوص را باز گذارم که بین سفیر شاه (که همراه من به هندوستان میآید) و عالیجناب فرمانروای کل حل و فصل شود .

قبلاً در نامه مورخه ۱۰ اوت اطلاع دادم که هر گونه اقدامی بر علیه هند از طرف زمانشاه در سال ۱۸۰۱ غیر محتمل است اینک باید اطمینانم را در این خصوص تکرار و اضافه کنم که چنانکه از اوضاع جاری بر میآید از ناحیه مشارالیه هیچ گونه خطری حتی در سال ۱۸۰۲ نیز پیش بینی نمیشود .

امیر محمود از خراسان حرکت کرده و یقین است که قندهار و چند قلعه اطراف آن شهر را متصرف شده است و چندین نفر از روسای ایلات که نا راضی بودند با اتباعشان گرد او جمع شده و مشغول تقویت و گسرد آوری نیرو برای بهار آینده میباشند زیرا پیش از این تاریخ بهیچوجه وضعیت هوا موافق با پیشرفت و حمله زمانشاه نخواهد بود چه تمام وسایل ارتباط بین کابل و قندهار در سراسر زمستان کاملاً مقطوع است و وقتی علاوه بر این شورش مهم، در نظریا وریم چنانکه شاه اطمینان داده است، ارتش ایران حتماً در اوایل بخراسان حرکت خواهد نمود آنوقت واضح میشود که غیر ممکن است زمانشاه با وجود این وقایع مساعد و مطلوب بتواند پیش از ماه سپتامبر یا اکتبر از قشونکشی در این سمت فراغت یافته بکابل باز گردد ؛ این موقع هم برای آماده شدن جهت حمله به هندوستان در سال ۱۸۰۲ کاملاً دیر است .

مشکل است عاقبت و نتیجه عملیات امسال را حدس زد، اگر ارتش زمانشاه او را رها نسازد ممکن است برادرش را شکست دهد در عین حال عده معتقدند که باید منتظر شکست او بود موفقیتی که تا بحال نصیب محمود ، که فقط از طرف ناراضیها پشتیبانی میشود ، شده نیز این نظریه را تأیید میکند .

اختلاف شاهزادگان افغانی بهترین فرصت را برای تصرف خراسان پیش آورده و شاه ایران با این موفقیت خواهد توانست تعهداتی را

که در مقابل کمپانی محترم پذیرفته انجام دهد ولی معلوم نیست این موفقیت در بین شاهزادگان افغانی چه پیش بیاورد. در هر حال فقط يك عقل سخیفی ممکن است در این وضع بفکر حمله هندوستان (یعنی عملی که همواره مورد توجه مخصوص زمانشاه بوده و جز بیم نابودی و اضمحلال هیچ چیز دیگری نمیتواند او را از این عمل مانع بشود) بیفتد

مفتخر و خوشوقت هستم که به پیروی امر جنابعالی هر گونه خبر ، چه تجاری و چه سیاسی که مربوط باین امپراطوری باشد بدست آورم با اطلاع برسانم و باینوسیله حتی باجزئی ترین اخبار در تزئید اطلاعات آنان که حکومت بریتانیا از وزارتشان بدین درجه رفعت و جلال رسیده کمک نمایم .

در نظر دارم تا پنجروز از این پایتخت بقصد بغداد حرکت نمایم و از آنجا باز مفتخر بعرض نامه بجنابعالی خواهم شد .

۱۳- بعنوان همان شخص

بغداد

بیستم مارس ۱۸۰۱

آقای محترم

مفتخراً رونوشت نامه ای که بجناب ارل اوف الجین عرض شده برای اطلاع جنابعالی تقدیم میدارم . نامه مورخه ۲۹ اوت ۱۸۰۰ جنابعالی که قبلاً دریافت آن بعرض رسید باینجانب جرأت می دهد که هراتفاق مربوط باین ناحیه را بعرض برسانم . مقتضیات روز و همچنین جنگی که اخیراً بر علیه روسیه آغاز شده اینجانب را متوهم ساخته است زیرا خطر حمله آن ملت بر هند انگلیس (بریتش ایندیا) چنان شدید میباشد که از این حیث با هیچ موقع دیگری قابل مقایسه نیست .

اگر حدس اینجانب غلط است اطمینان دارم همان الطافی که جرأت جسارت به اینجانب بخشیده تصدیعهای گزاف مرا نیز شامل خواهد شد .

☆☆☆

جناب ارل اف الجین

سفیر فوق العاده اعلیحضرت پادشاه بریتانیا در بابعالی عثمانی
اردوگاه ساحل دجله ۲ میلی بغداد

بیست و سوم مارس ۱۸۰۱

خداوند گارا با کمال افتخار اشعار میدارد مرقومه ۲۷ ژانویه جناب لرد
حین حرکت بسوی بغداد دریافت گردید امیدوارم خداوند گاری تاخیری را که
بانتظار رسیدن بشهر، در عرض پاسخ روی داده عفو خواهند فرمود
بنا بر مندرجات نامه جناب لرد تصادم با روسیه غیر قابل احتراز است و

چون هر خبری مربوط با اقدامات احتمالی آن دولت بر علیه مستملکات انگلیس در هندوستان اهمیت بسزا خواهد داشت ، مراحم زیر دست پروری آن خداوندگار به اینجانب جسارت می بخشد که عقاید خود را در اینموضوع به اطلاع برسانم که اگر صحیح هم نباشد ممکن است لا اقل بمقدار نا چیزی باطلاعاتی که هم اکنون دردسترس آنجانب هست بیافزاید .

بنظر من موفقیت روسیه بر علیه منافع بریتانیا در هندوستان ، با اقدام به عملیاتی توسط کشورهای حد فاصل ، آنقدر مشکل است که حتی اگر آن کشور نیرومند حد اعلا ی کوشش و سعی را برای چنین موفقیتی بکار برد بلز هم اجرای فوری آن مشکوک است . مقصودم از فوری مدتی در حدود سه ، چهار یا پنج سال است واضح است آن امپراطوری وسیع اگر همچنان وحدت خود را حفظ کند و متوالیاً تحت اداره سلطانی لایق باشد خواهد توانست قدرت و نفوذ خود را در نواحی آسیا بسط دهد ولی این کار وقت لازم دارد و هر اقدام عجله آمیزی ، برای سرانجام فوری دادن باین منظور ، بشود بی احتیاطی محض بوده و بجای تسهیل و فوریت منجر بتأخیر و ندامت خواهد شد .

بنظر اینجانب روسیه نمیتواند بمنظور حمله بمستعمرات انگلیس نفوذ خود را در کشورهای شرقی برقرار سازد مگر اینکه نیرو و مهمات فوق العاده زیادی بکاربرد و تازه نتیجه آن نیز چندان محقق نیست . فرمانروایان آسیای عموماً بسیار مایل بتوسعه قلمروشان میباشند و فقط صلح را میخواهند تا بتوانند بانجديد و تقویت قوا بهمسایگانشان حمله بکنند .

روسیه از چند ناحیه میتواند مستعمرات بریتانیا در هندوستان را تهدید نماید ولی بنظر میآید که استقرار در کنار دجله و یا ساحل شمالی خلیج فارس بیشتر احتمال موفقیت داشته باشد ولی اشکال هر يك از دونقشه فوقه وقتی معلوم میشود که از فکر بمرحله عمل درآید ؛ چه برای این منظور باید یا ناحیه شرق عثمانی و یا ایالات غربی ایران تسخیر و تحت تسلط درآید و تازه پس از این فتح ، مدتی لازم است تا نیروئی در خلیج تشکیل شود که بتواند بر علیه هند انگلیس اقدامی نماید .

روسیه ، رأساً یا با کمک کشور دیگر ، از راه خشکی فقط از دو جاده خواهد توانست بر علیه مستملکات بریتانیا در هندوستان حمله فوری بنماید یکی از بنادر شرقی خزر بسمت کناره رود ایندوس (۱) و دیگری از ناحیه تاتار نشین از بندر اورنبورگ (۲) به بخارا که از آنجا یا بر علیه ایالت اود (۳) از پنجاب و یا از میان رود مولتان و یا سواحل ایندوس (۱) بر علیه بمبئی میتواند تعقیب نماید

(1) Indus (2) Orenburg (3) Oude

اقدام مستقیم روسیه برای انجام هر يك از نقشه های بالا بمنظور حمله بهند خارج از بحث است زیرا مستلزم مغلوب کردن و مسلط شدن بر ملل فاصله میباشد و این کار بملاحظه طبیعت آن، بفرص امکان، مدتی بیش از حد معمول و احتمالی هر جنگی طول خواهد کشید. بنابراین باید دقت کرد که ملل مذکور تاچه پایه میتوانند همکاری نمایند و موفقیت آن همکاری چه اندازه خواهد بود.

کشورهائی که میتوانند بر علیه هندوستان با روسیه همکاری نمایند عبارت از ایران، افغان و ازبك میباشد ولی باید دید هر يك از این دول تاچه حد مایل هستند و یا استعداد كمك در اجرای چنین نقشه ای دارند

کشور ایران تماس مستقیم و آسان با روسیه دارد و ممکن است تمام مواد مورد احتیاج از روسیه به انزلی، یکی از بنادر دریای خزر، فرستاده شود و از آنجا در طی چند روز بتهران پایتخت امپراطوری ایران ارسال شود با شرایط کنونی اگر شاه ایران میتواند بر ترس و اغراض شخصی خود غالب آید و از قدرت و مهارت ستون كمکی روسیه استفاده نماید نه تنها بزودی آن قسمت از خراسان که تحت حکومت رؤسای مستقل هستند بتصرف او میآید بلکه سر زمین افغان و حتی هندوستان هم مورد خطر شدیدی میبود ولی علل بارز و موجود کنونی که در زیر شرح داده میشود احتمال چنین اتحاد خطرناکی را بکلی مرتفع میسازد

اولا - کینه و حسادت ایرانیان نسبت بروسها که با پیشرفتهای آنان و مخصوصاً موقعیتی که در سال ۱۷۹۶ نیروی اعزامی امپراطریس کاترین در قلمرو آنها حاصل کردند زیاد شده است.

ثانیاً - طرز رفتار امپراطور فعلی پل باشاه ایران زیرا نامه ای نوشته که حاضر است سفیری بمنظور التیام روابط دوستانه دو کشور بفرستد بشرطی که شاه ایران از تمام دعاوی خود بر ایالت گرجستان صرف نظر نماید. شاه ایران پاسخ داد که بهیچوجه از ممالك موروثه چشم نخواهد پوشید و اگر مقتضیات زمان فعلاً مانع است که ایالتی از امپراطوری ایران را بزیر سلطه خود باز گرداند ولی همواره امیدوار است و در آینده اینکار را انجام خواهد داد

ثالثاً - همکاری ایران با روسیه سبب خواهد شد که از منافع رابطه اتحاد صمیمانه بین پادشاه ایران و انگلستان صرف نظر نماید در حالیکه تمایل و هم منافع پادشاه توأم با مطمئن میسازد که درصدد حفظ قرارداد با انگلستان که انعقاد آن بر شهرت او افزوده است - برآید زیرا توجه دارد که ممکن است این تعهد (بنا بمقتضیات سیاسی و طرز رفتار او) مبدء

مضامع درخشان و یا صدمات شدید برای او گردد .
دلایل فوق بعقیده من آنقدر کافی و مهم است که نمیتوان منتظر هیچ
گونه اتحاد صمیمانه ای میان حکومت فعلی ایران و حکومت فعلی روسیه بود
و برعکس وقوع تصادمی بین دو کشور بیشتر محتمل میباشد .

شاه کنونی افغان، شاه زمان، را من یکی از دشمنان قدرت انگلیس
درهند میدانم که دشمنی او خود بخود و بدون کمک خارج میتواند زیاد بشود
و در اولین فرصت و با داشتن وسیله و قدرت به هندوستان حمله خواهد کرد
ولی تا کنون از اجرای مقصود او بواسطه مختلف جلو گیری شده و تصور نمیکند
تا مدتی در حدود یک تا دو سال مقتضیات حمله فراهم و تجدید شود و اگر
حکومت ایران موفق با اجرای تعهد اخیر خود باملت انگلیس بشود این اطمینان
برای مدت طولانی تری بهم باقی خواهد بود .

غرور، کینه، حسادت و اغراض در حکومت افغان بیش از هر کشور
آسیائی دیگری وجود دارد و همین علل مانع همکاری آنها با ستون روسی یا هر
نیروی اروپائی دیگر که مصمم حمله به هندوستان باشد خواهد شد و چنانکه چنین
موافقتی هم حاصل شود؛ اختلاف ادب و رسوم، حصول موفقیت و احراز
منظور را غیر ممکن ساخته و این اتحاد غیر طبیعی را باشکست رو برو خواهد
ساخت اکنون بد نیست برای یک لحظه حدسیات خود را غلط تصور نموده
و نتیجه این اتحاد را حساب نمائیم .

از سه راه میتوان نیرو، افراد، لوازم و سیورسات را از روسیه بقلندرو
افغان رسانید یکی از بندر استرآباد، در دریای خزر، بمشهد و از آنجا بهرات؛
دوم از شمالی ترین بنادر دریای خزر به ارغند (۱) و از آنجا پس از گذشتن از
خوارزم و بخارا بقندهار؛ و سومی از بندر ارنبورک (۲) بقندهار از راه بخارا .
دو راه اول معروف میباشد و همیشه مسیر کاروانها بوده است ولی از راه
سومی کمتر رفت و آمد میشود زیرا سرزمین مزبور در دست طوایف تاتار است
که حتی از بیکها آنها را وحشی میخوانند .

کوتاهترین این راهها متجاوز از چهار صد میل انگلیسی طول دارد و
بواسطه وجود طوایف فوق الذکر و عوامل طبیعی عبور نفرات کم، از آنها
غیر عملی است اکنون سعی میکنم دلائلی را که نشان میدهد عبور نیروی بزرگ
نیز مشکل است تشریح نمایم .

اگر راه اول را انتخاب نمایند باید با سترا باد دست یابند که شهر
موطن فامیل سلطنتی کنونی ایران بوده و محل تمرکز ثروت این سلاطین

میباشد از اینجهت نمیتوان تصور کرد که شاه ایران رضایت دهد که نیرو برای کمک بدشمن ورقیش از قلمرو اختصاصی او بگذرد مگر پس از آنکه تمام نیروی ایران مضمحل شود و بفرض انجام این قسمت تازه روسها بایستی ایلات ترکمن و سایر رؤسای مستقل خراسان را که در سر راهشان قرار دادند راضی کرده یا با آنها هم بجنگند فقط وقتی میتوان این عمل را انجام داد که قشون افغان بنزدیکی استراباد برسد. تازه پس از اخذ ارتباط وقتی بخواهند بسمت شرق پیشرفت نمایند تمام طرق مواصلاتی با سرزمین روسیه قطع خواهد شد مگر آنکه ایالات مازندران و خراسان قبلاً منقاد شده و آرامش و سکون یافته باشد یا واضحتر بگویم وقتی که حکومت ایران برانداخته شده باشد. اما راه دیگر ارغند خوارزم، بخارا مشکلات زیادی دارد. عشایر ترکمن و رؤسای مستقل ناحیه غربی ایالت خوارزم بیهمنگ از دست دادن استقلال و خوفناک از هر اقدامی که تزیید قدرت همسایه‌شان را متصور سازد از پیشرفت نیرو لاقلاً جلوگیری خواهند کرد در صورتیکه نمیتوان تصور کرد شاه مراد شاه ازبکها با وجود اتفاق و نزدیکی زیادی که با زمانشاه دارد، اجازه دهد چنین قوایی از قلمرو و پایتخت او گذشته و بقدرت و قوت ملت افغان که هم اکنون از آنها بیمناکند بیفزاید، نیروی روسی که بخواهد از این راه عبور نماید باید از هر حیث در غلبه و استقرار در نواحی حذافصل بکوشد در غیر اینصورت بزودی تمام ارتباط آنها با بنادر دریای خزر که در آنجا پیاده شده‌اند قطع خواهد شد.

آخرین راهی که ممکن است مورد استفاده نیروی روس قرار گیرد راهی است که از بندر اورنبورگ شروع میشود من اطلاع و آشنائی زیادی باوضاع این ناحیه ندارم ولی این راه را مشکلترین طرق میدانم زیرا طوآنل بیش از ۶۰۰ میل است و از ناحیه خشک و لم یزرع میگردد بخصوص که قسمتی از آن در قلمرو شاه ازبک واقع است و همان مقاومت‌های سابق الذکر از ناحیه روسای مستقل نواحی شمالی بخارا و شاه مراد نیز انتظار میرود زیرا بدلائلی که قبلاً نگاشته شد آنها وادار بمقاومت و جلوگیری از پیشروی نیروی اروپائی خواهند شد.

از آنچه گفته شد برمیآید که اگر امیر افغان کمک روسیه را بپذیرد (که شرط کاملاً مشکوک است) برای ارتباط یافتن نیروئی که بخواهند بفرستند و همچنین برای حفظ ارتباط این نیرو با قلمروشان ناچارند يك سلسله عملیاتی انجام دهند که با موضوع و مقصد اصلی اتحاد، کاملاً متفاوت خواهد بود.

اتحاد روسیه با شاه مراد یا بیگی خان «Deqy-laun» (که معمولاً اینطور نامیده میشود) بمنظور حمله به هندوستان، بیش از اتحاد با ایران و یا افغان غیر عملی است چه از بکها هم جاهلتر و هم مغرض و متعصب تر بوده و فرمانروای کنونی شان (که خود را جانشین چنگیز می شمارد) مقام خود را با روپوشی از تقوی و پارسائی حفظ میکند و رفتار و ظاهرش مثل درویشها است و اتباع ضعیفش را چنان گول زده که با کمال میل تاحد پرستش مطیع او هستند واضح است فرمانروایانی که رفتارشان بر چنین موازینی قرارداد از هر اقدامی، که در آن احتمال از دست دادن قدرتی را که علی رغم حقایق باطنی کسب کرده اند برود، خود داری خواهند کرد تاچه رسد باینکه با قومی متحد شود که بنا بوظیفه مذهبی که دارد هر روز آنان را کافر و مرتد میخواند زیرا در عین حکومت ریاست مذهبی نیز با او است با فرض اینکه حرص و میل جاه طلبی او را بوسوسه بیندازد باید دید چه اشکالات دیگری ممکن است پیش بیاید.

بطوریکه قبلاً گفته شد راهپائی که از دریای خزر بیخارا میرسد عبارت از راهپائی است که از ارغند و خوارزم و بندر اورنبورک میگذرند و اشکالاتی که در هر يك از این راهها ممکن است پیش آمد کند قبلاً تصریح شد در اینجا باید این نکته را نیز بیفزایم که بفرض اینکه تمام این مشکلات از میان برداشته شود تازه باید یا افغانها را در این مجمع و اتحاد وارد کرد یا اینکه آنها را مقهور نمود و همچنین اقدامات احتیاطی لازم بایستی بعمل آید تا در موقعی که شاه مراد در نواحی دور دست هندوستان مشغول است خانهای مقتدر سرحد قلمرو ازبکها ساکت بمانند.

اگر چه شاه کنونی ازبک و شاه زمان دوست، هم مسلک و هم دین میباشند، با این حال اتحاد آن دو با نیروی روسیه بمنظور حمله به هند عملی است که بایستی غیر ممکن تلقی بشود و اگر چنین کاری انجام نشود اختلاف عادات و منافع طرفین بطور یقین باعث شکست و عدم موفقیت در منظوری که برای انجام آن متحد شده اند خواهد شد.

خلاصه آنچه معروض شد اینکه تصور تسلط روسیه، چه با زور و قدرت خودش و چه با اعمال نفوذ، بر هند بریتانیا مشکل بلکه غیر ممکن بنظر میآید بعلاوه باید اضافه کنم که بنظر اینجانب این شهرت که تنفروا نزجارا اعمال انگلیس ها در هندوستان، ممکن است کشور های همسایه را به اتحاد و حمله وادار سازد جداً بی اساس است.

در حقیقت بیشتر ملل آسیائی و مخصوصاً آنها که اشاره شد اطلاعات

ناصحیح و مبهمی از کشور های اروپائی دارند و بطور کلی آنها را بنام « فرنگی » که مقصود اروپائی است با یکدیگر مخلوط میسازند و همواره مواظب هستند که در قلمرو خود هیچ نقطه اتکائی بهیچیک از آنها ندهند چه از صنعت و پشتکار آنها میترسند و این ترس در نتیجه پیشرفت های سریع انگلستان در هندوستان مخصوصاً بدرجه ای رسیده که مانع آن خواهد شد که بنیروی اروپائی بهر اسم اجازه ورود بدهند. اطمینان باغماض و بزرگواری جناب لرد جرمت داد که بیش از آنچه که در نظر داشتم بتشریح این موضوع بپردازم .

۱۵ - جناب جلالتآب هنری دنداس رئیس سازمان نظارت

بصره

دهم آوریل ۱۸۰۱

آقای محترم

مفتخرم که ورود خود را ببصره باطلاع جنابعالی برسانم در اینجا و همچنین در بغداد باتشریفات شایسته ای استقبال و پذیرائی شدم که بایستی آنرا در درجه اول نتیجه نفوذ و جدیت نماینده مقیم این شهرها آقایان نانستی Nanesty و جونس Jones دانست . پیوست یاد داشتی از وضع کنونی کشور ایران است که بمناسبت جریان امور اروپا پیش از معمول در صدد تشریح اوضاع مخصوصاً از لحاظ سیاسی برآمده ام از این لحاظ بیم آن دارم بسیار طولانی و مفصل بنظر بیاید . امیدوارم درخصوص اطلاعات متفرقه و مختلفی که درعین حال مفصل نیز هست و صرفاً از لحاظ تشریح اوضاع تهیه شده مورد اغماض جنابعالی واقع شوم .

(پیوست شماره ۱۵)

اوضاع کنونی ایران از لحاظ سیاسی و تجارتی

وضع سیاست داخلی ایران

پس از مرگ کریمخان بین اخلاف او و آقا محمد خان قاجار بر

سرتخت و تاج زرد خوردی در گرفت که چند سال طول کشید، نفاق و نزاع بین رقبا سبب موفقیت کامل آقا محمد خان شد که پیش از مرگش قدرت او در اکناف کشور شناخته شده و فرامین او بدون چون و چرا از خراسان در شرق تا قلیس در غرب و از دریای خزر تا خلیج فارس جاری بود آقا محمد خان استعداد خارق العاده ای داشت و در عین حال که برای مخالفینش بیرحم و خشن بود نسبت بسایرین يك شهريار کاملی بشمار میرفت قشون او تا آخرین رمق و قدرت بکار گماشته میشدند در عین حال بقدر کافی و مرتب حقوق دریافت میکردند در تمام شئون امور کشوری بهترین تشکیلات را داده و شهرت او بسخت گیری و شدت عمل کمک شایانی در تسریع اجرای اوامر او میکرد. نمیتوان حدس زد که اگر چندی دیگر هم زنده میمانند قشون او چه موفقیت های تازه ای کسب میکرد چه آن قسمت از خراسان که امروز در اختیار رؤسای مستقل محلی است تسلیم او شده بود، افغانه بيمناك بودند، خسان از بك غلامهای ایرانی را از اكناف قلمروش گرد آورده بود که برای حفظ صلح آنها را تقدیم این همسایه مهیب و سرسخت بنماید و پاشای بغداد همواره منتظر حمله او بود و امید زیادی بموفقیت در دفاع نداشت.

هنگام مرك آقا محمد خان انتظار میرفت غوغای معمولی بر سر جانشینی تخت و تاج ایران صورت بگیرد و خوشبختانه قابلیت و کاردانی حاجی ابراهیم خان وزیر و تنها مشاور آقا محمد خان بموفقیت وارث مورد نظر، شاه کنونی، منجر گردید و خاموش کردن آتش شورش صادق خان شكاك و حسینقلی خسان نه تنها باز دیاد قدرت سلطان افزود بلکه بواسطه عفو این دوسر دار رحم و شفقت او در کشور مشهور گشت.

بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال ایران باید متذکر شد که هیچ سلطانی بآسانی شاه کنونی بسلطنت نرسیده است ایرانیها که از عدم نظم و ثبات وضع کشورشان که از زمان کریمخان ادامه دارد بسیار نگران بودند از موفقیت ولیعهد که بدون وقوع حادثه ای سلطنت یافت خشنود شده و با اشتیاق و نگرانی انتظار داشتند که امپراطوری آنها قدرت و شأن زمان شاهان صفویه را کسب نماید. این محیط مساعد تقویت نشد سهل است برعکس بسیار ضعیف شد؛ شاه فعلی اگر چه در امر سلطنت بسیار کامل و مذهب است ولی بسیار حریص و طماع میباشد و نه تنه عاشق و علاقه بیول او را و ادار به اعمالی کرده که از محبوبیت او در بین مردم کاسته است بلکه بوسیله قشون نیز - که برای شهريار آسیائی بسیار اهمیت دارد - و با فشار و خشونت تغییرات زیادی را بنفع خودش پایان داده بنحویکه

تمام درباریان از او بیزار شده اند مخصوصاً صدر اعظم او حاجی ابراهیم خان که بمناسبت شخصیت خود و حقی که بگردن شاهزاده جوانی که او بتخت و تاج رسانیده دارد از اینکه با او مثل سایرین رفتار میشود و آزادی که این وزیر قایل برای ابراز افکار و عقاید خود را مستحق آن میدانند باوداده نمیشود، ناراضی است. شاه که میداند حاجی ابراهیم خان تنها مشاور باهوش و فراست قابل اطمینان در دربار میباشد. ولی بواسطه اوضاع و احوال باوجود قصور شاه تصور وقوع شورش در آینده نزدیک متصور نیست زیرا شخصی که قدرت و مقامی داشته و یاددعائی هر قدر هم جزئی بر تاج و تخت داشته باشد باقی نمانده است. با احتمال قوی بقای صلح داخلی ایران نسبت مستقیم با موفقیت شاه در خراسان دارد عدم موفقیت های اخیر او در آن ناحیه عقیده اتباعش و همچنین سایر ملل مجاور را درباره او تغییر داده و فقط موفقیت در این قسمت ممکن است شهرت او را تجدید نماید.

مشکل است که عایدات دولت ایران را حتی به تخمین معین کرد ولی در حال حاضر بطور قطع از یک میلیون و نیم استرلینگ تجاوز نمیکند در صورتیکه ممکن است خیلی بیش از این جمع آوری (یا صریحتر بگویم) بزور گرفته میشود. بغير از این در آمد نقدی، حکومت از درآمد ارضی زمین نیز سهمی میگیرد که هر ساله انبار شده بمصرف سربازان شاه می رسد. ولی این درآمد اخیر که فشار آن بر طبقه فقیر بوده و در اختیار حکومت سهل انکاری که آنرا مورد هر گونه سوء استفاده قرار میدهد ندرتاً بحال کشور مفید خواهد بود. ارتش فعلی شاه را که هر ساله جمع میشود در حدود سی و پنج هزار سوار نظام و پانزده هزار پیاده میتوان تخمین زد و این سربازان دائمی که مقرری ثابت دارند معمولاً برای حمله به کشور های مجاور بکار برده میشوند و در مدت کوتاهی ممکن است آنرا سه برابر کرد و خزانه شاه فعلی به آسانی میتواند مخارج آنرا بپردازد.

غير از این عده دیگری سرباز سوار و پیاده چريك نیز هستند که خرج آنها توسط ایالات پرداخته شده و مأموران نظامات میباشد. توپخانه شاه ایران چیزی جز اسب نیست زیرا از چند فروند توپ کهنه و در حدود دویست زنبورک که با شتر حمل میشود، تشکیل یافته جز تظاهر اثری ندارد ولی بیشتر توپچیها گرجی و ارمنی هستند که ممکن است از آنها سربازان خوبی تربیت کرد.

روابط سیاسی ایران با دول همجوار

دول مجاور ایران عبارتند از ترك ، افغانه ، خراسان مستقل ، تركمان و روسیه .

هیچگاه دوستی صادقانه‌ای بین ایران و ترك نبوده است ساکنین دو کشور متعصب و در عین حال که پیرو دوفرقه مختلف از یکدیگر هستند از یکدیگر متفرند و هر وقت سیاست، حمله بکشور مجاور را ایجاب نموده مذهب دستاویز خوبی برای هریک بوده است؛ اگر شاه مرحوم ایران دوازده ماه دیگر زنده میماند بطور قطع بیغداد حمله میکرد. توجه شاه فعلی هم چند بار باین موضوع معطوف شده است وعده زیادی از متنفذین در باره هم سعی میکنند توجه او را از کار مشکل خراسان بانجام کار بغداد ، که بنظرشان بسیار آسانتر می آید منمطف نمایند میتوانم ادعا کنم که برقراری رابطه اخیر بین شاه ایران و ملت انگلیس و اهتمام در حفظ منافعی که از این قرارداد انتظار دارد مانع شده است نظر آن درباریان را تعقیب نماید و دوسال است که در حمله بخراسان میکوشد . و اگر همچنان در تعقیب این موضوع پافشاری نماید ، که شکی در آن نیست ، بغداد تاچند سالی از هر خطری محفوظ خواهد بود . ولی چنانکه وضع پاشا بحال فعلی مانده و ایران قوی بشود، نمیتوان اطمینانی ببقای وضع کنونی داشت زیرا عوامل سیاسی و مذهبی مختلف پادشاه ایران را وادار بفتح و تصرف این شهر مینماید از جمله این عوامل تمول شهر و نزدیکی آن بامقابر امامهائی است که ایرانیان آنانرا حتی بیش از پیغمبر حرمت میگذارند و هر ساله برای زیارت اعتبار مقدسه آنان مقدار معتناهی از تمول مملکتشان را بانجا انتقال میدهند ، اگر شاه در صدد حمله ببغداد بر آید نظر بعلاقه مذهبی عمومی قشون او دو برابر خواهد شد و پاشا قدرت نخواهد داشت در دشت با آنان مقابل شود ناچار خود را در پناه حصار مرگزش که استحکامی ندارد خواهد کشید و ممکن است عدم آشنائی و مهارت ایرانیان بقواعد و اصول تخریب قلاع سبب شود که لا اقل مدتی مقامت کنند.

بالینکه طی دوسال گذشته شاه کنونی ایران و زمانشاه در حال جنگ با یکدیگر بوده اند ولی تصادمی بین نفرات سپاهی آنان روی نداده است فاصله قلمروشان قطعه خاکی است که از آن بنام خراسان مستقل یاد میکنم

وازشمال بجنوب بین مشهد ویزد ودر شرق و غرب بین هرات و مزینان واقع است این ناحیه که از زمان مرك نادرشاه در تصرف رؤسای مختلف مستقل بوده است مورد نظر فرمانروایان افغان و ایران است و هر کدام که موفق بتسخیر آن قسمت بشود برتری و تفوق قدرتی خواهد یافت که تاج و تخت دیگری را در مخاطره قرار خواهد داد .

شاه فقید ایران آقا محمد خان دوسال پیش از مرگش مشهد و نیشابور و سبزوار را تصرف کرد و در حقیقت استقلال خراسان را از بین برد نفراتیکه بساخلوی پادگان های مزبور گماشت در زمان فوت او بازگشتند و سلطان فعلی برای تصرف این ناحیه مهم دوبار قشون کشیده که به نتیجه ای نرسیده است .

قشون شاه زمان قابل توجه است سی هزار سوار نظام و ده هزار پیاده و عده ای توپچی با مقرری ثابت دارد ولی از آنجا که عده توپهایش بسیار معدود است بیشتر توپچی ها بر سر زنبور کها که سیصد عدد هستند گماشته شده اند خودش همیشه همراه قشونش میباشد و اگر مصمم بقشون کشی مهمی بشود میتواند قشون خود را تا یکصد هزار بالا ببرد بخصوص که منظور هندوستان باشد زیرا امید غارت و چپاول رؤسای محلی را ، که در حمله بجای دیگر از کمک باو خود داری خواهند کرد ، گرد او جمع مینماید .

عایدات زمانشاه از يك كرور و نیم روپیه تجاوز نمیکند خزانه اش خالی و همیشه برای پرداخت حقوق سربازانش مستاصل است پیش ازینمی از ایالات وسیعی که او اسماء بر آن حکمرانی می کند در دست امرای بزرگی است که حکومت خود را بارث برده و اعتنائی بسططان ندارند . قدرت بعضی از آنان بحدی است که حتی يك دهم عایدات ایالت را بشاه نمیدهند و او از روی احتیاط حتی از اظهار ناخشنودی هم خود داری میکند و وقتی در نظر بگیریم که قشون دائمی او فاقد هر نوع نظم و دیسیپلین بوده و سلطان جوان ضعیف النفسی است که تاج و تخت را در اختیار وزیر طماع و حریصی گذاشته میتواند مطمئن شد که اشکالی در مقابله يك قشون منظم با زمانشاه باقی نماند اما باید در نظر داشت که اگر افغانه در شرایط مساوی با دشمنی نظیر خودشان مثلا ایرانیان که آنها نیز با فرمان و انضباط آشنائی ندارند ، روبرو شوند دشمنان خطر ناکی هستند زیرا همگی قوی و چالاک بوده و با سختی و خشونت بار آمده اند و در مقابل خستگی مقاومتشان زیاد است از حیث جسارت شخصی نیز عقب نمی مانند از خوش شانسی شاه فعلی ایران ، بواسطه اختلاف بین قسمت

های مختلف قشون افغانه و نزاع و نفاق بین شاه زمان و برادرش فرصت خوبی برای حمله بخراسان مستقل پیش آمده است و تصرف آن ایالت چنانکه قبلاً اشاره شد، پایه و میزان قدرت را بنفع حکومت ایران بالا خواهد برد. رؤسای خراسان مستقل بسیارند و مهمترین آنها میتوانند در حدود ۱۵ هزار نفر سرباز بیدان بفرستد در حالیکه ضعیف ترین آنها ۵۰۰ نفر سرباز دارد و بهیچوجه حاضر نیستند که قدرت حقیقی، که از زمان مرگ نادر شاه تاکنون در ملک و قلمرو کوچک خود دارند از دست بدهند. در عین حال همه آنها بالضروره تفوق شهریاران افغان و ایران را پذیرفته و بیشتر آنها در دربار هریک نمایندگانی دارند که بوسیله آنها هر ساله هدایائی تقدیم میدارند. قدرت اساسی این رؤساء بیشتر بواسطه قلعه های آنهاست که اگرچه از خشت و گل ساخته شده اخیراً ثابت شد که در مقابل حملات خام و ناشیانه ایرانیان بخوبی مقاومت مینماید. ساکنین خراسان عموماً سربازان بسیار خوبی بشمار میروند و چون سرزمین آنها بر سر راه افغانه، ازبک، ترکمن و ایرانیان قرار گرفته بچنگ خو کرده و دست یافتن بر آنان بوسیله جنگ مشکل است شاه ایران متوجه این موضوع بوده و میخواهد بامسافرت سالیانه باین ناحیه که همواره در موقعی که محصول در روی زمین است انجام میگردد آنها را از پای در آورد و در صورتیکه از راه دیگری موفق نشود از این طریق بشرطیکه حکومتش باقی و پایدار بماند، بعد از چند سال بمقصود نائل خواهد شد.

ترکمنها که ساکنین منطقه بزرگی بین دریای خزر و دریای آرال هستند جنگجو ترین مردمان میباشند. و خوشبختی همسایگان آن است که به ایلهای متعددی تقسیم شده و همواره با یکدیگر اختلاف دارند شکی نیست که اگر متحد وزیر فرمان یک رئیس میبودند همسایگان جنوبی بزودی مغلوب برتری نیرو و جسارت آنان میشدند.

این ایل که بایران نزدیکترند در گذشته حملات متواتری بداخل کشور کرده و چارپایان و ساکنین آنجا را باخود میبردند و همواره اسراراً بعزت اینکه شیمه بودند بقلامی میفروختند. شاه فقید آقا محمد خان بسا قدرت و مخصوصاً باسیاست مخصوص خود این حملات سارقانه و مخرب را متوقف ساخت باینطریق که پانصد نفر از سرکردگان برجسته ایلات مجاور را دوستانه دعوت و پذیرائی کرد و سپس بعنوان گروهی در تهران تحت نظر قرار داد که و هنوز هم بعنوان وثیقه خوشرفتاری عشیره و ایلات و منسوبین آنان نگهداری میشوند باینجهت فعلاً از ناحیه ترکمنها

که در گذشته و شاید هم در آینده، اگر متحد بشوند، مخوفترین دشمنان هستند
خطری متوجه ایران نیست.

مدار کی که بتوانم تحقیقاً میزان نیرو و نفرات این مردم را تعیین
کنم در دست نیست باید متذکر شوم که اهمیت آنان بیشتر از جنبه
سواره نظام است.

روابط سیاسی ایران با روسیه در چند سال اخیر بیشتر از سابق اهمیت
یافته است. امپراطریس فقید کاترین، که از غارت تفلیس که توسط آقا-
محمد خان انجام شده بسیار رنجیده و ناراضی بود، در سال ۱۷۹۶ نیروی
عظیمی بایران فرستاد که در نزدیکی دربند از کشتی پیاده شده آنجا را
تصرف نموده بطرف چول مقام Choolmogam (دشت مغان) که
ناحیه ایست در آذربایجان بحرکت درآمدند و نمیتوان گفت که اگر مرک
امپراطریس باین قشون کشتی پایان نداده بود نتیجه چه میشد.

مرتضی قلیخان برادر آقا محمد خان که بروسیه گریخته بود همراه
این قشون بود و شهرت داشت که امپراطریس میخواهد او را بسلطنت
برساند این موضوع سبب شد که بین ایرانیان دوستان زیادی برای مدعی
سلطنت پیدا شد و برخی از بزرگان ملت بقشون روس پیوستند و نسبت به
وفاداری عده ای نیز اطمینان نبود.

بالینکه امپراطور پهل قشون مزبور را از آذربایجان احضار کرد
ولی تصمیم داشت که گرجستان را از غارتها و حملات آینده ایران حفظ
نماید و بعنوان مقدمه برای آغاز مذاکره درباره پیمانی که میل داشت با
شاه ایران منعقد کند پیشنهاد کرد که شاه ایران از هرگونه ادعائی نسبت
بگرجستان چشم بپوشد. این پیشنهاد رد شد و مذاکره ای دیگر بین
دو سلطان روی نداد. روسیه به آسانی میتواند هریک از بنادر دریای
خزر را تصرف کند ولی مشکل است که بتواند بداخله ایران دست یابد
زیرا بدست آوردن لوازم و سیورسات مشکل بوده آب بسیار کم است و
وروش جنگی مخصوص ایرانیان که سعی در خسته کردن دشمن میکنند
برای کشوری بامشخصات مشروحه بهترین روش دفاعی است قطعی است
که مقابله آنها با روسها در میدان بهیچوجه صورت نخواهد گرفت و از حمله
بایران که کشور متمولی نیست و نمیتوان بعنوان یک مستعمره سود آور آنرا
تصرف کرد دولت روسیه استفاده ای نخواهد برد فقط غلبه و تصرف گرجستان،
ارمنستان و ناحیه غربی آذربایجان سبب خواهد شد که طی چندین سال
خود را بساحل دجله و فرات رسانیده و با استفاده از این رودخانه ها به

قدرت خود بیفزاید، انهدام قدرت ترك كمك باین موضوع کرده مستملکات هندی بریتانیا رامستقیمتهدید مینماید .

اگر حمله بر ترك از طرف روسیه نظر نباشد (که در صورت تحقق فوراً از طریق دریای سیاه بغداد پیشروی خواهد کرد) نقشه مذکور تنها طرحی است که بنظر من در این ناحیه اجراء خواهد شد برای اجرای این طرح، دیپلماسی و سیاست بیش از زور مؤثر خواهد بود از این لحاظ انتخاب اخیر ژرف (یوسف) رئیس و بزرگ ارامنه روسیه بریاست و صاحب اختیاری Etchmiadzen (که مرکز مذهبی ارامنه است) اهمیت بسزائی دارد زیرا در این شغل کلیسای ارمینی عموماً تحت نظر او قرار میگیرند، ژرف از یک فامیل بزرگ ارمینی است که در گرجستان پد نیا آمده و بزرگترین بهانه دخالت روسیه در امور آن ایالت بوده است .

وضع تجارتی ایران

تجارت داخلی.

تشریح وضع تجارت ایران خارج از موضوع ماموریت کنونی اینجانب است لذا فقط بذکر نکات برجسته آن اکتفا مینماید .

محصولاتی که بادست در کشور ایران تهیه میشود و در داخله این امپراطوری مشتری دارد عبارت است از انواع پارچه های ابریشمی، پارچه های ضخیم پنبه ای ساده و متقوش، فرش، نم، پارچه های پنبه ای، شال کرمان زری و غیره شمشیر و اسلحه های نظامی، زین و یراق اسب، چرم، آلات بلوری، پوست بره و گوسفند، لوازم آهنی، لوازم ساخته شده از طلا و نقره، اشیاء مینا کاری.

شهرهایی که این لوازم بیشتر در آنجا تهیه میشود عبارتند از اصفهان، یزد، کاشان، شیراز، همدان، رشت، قزوین و کرمانشاه این شهرها که بجز اصفهان بقیه از حیث جمعیت در یک ردیف هستند تخصص و اشتغال در رشته بخصوصی ندارند، قزوین از لحاظ موقعیتش که بر سر راه تجارت بحر خزر و کرمانشاه که معبر مهم تجارتی ترك و ایران است قرار گرفته است بر سایر شهرها مزیت دارد .

تهران هنوز محصول مهمی ندارد و در آنجا فقط پوست گوسفند و بره تهیه میشود که اساس ملبوس ایران است ولی اگر همچنان پایتخت بماند در آینده نزدیکی محصولات بسیاری خواهد داشت . اما تصور

میکنم علل و دلائلی که باعث شد شاه فقید اینجا را برای اقامت دائم انتخاب کند بزودی رفع شود آنوقت با احتمال قوی ، دربار باصفهان منتقل خواهد شد، مگر اینکه روسها حمله نمایند در این صورت بیش از پیش ضروری خواهد بود که پایتخت در قسمت شمالی امپراطوری باقی بماند .

اصفهان که از بزرگی سابق آن کاسته شده هنوز اولین شهر ایران است محصولاتش عبارت است از زری که اخیراً بسیار خوب تهیه میشود کلاه پوست ، کرباس منقوش و ساده ، زین و شمشیر و سایر سلاحها که تمام این ادوات از طلا ، نقره ، آهن ، فولاد و برنج است بعلاوه سایر اشیاء نیز از آنجا بسایر نقاط امپراطوری فرستاده میشود از این جهت اهمیت تجارتی خود را هنوز حفظ کرده است .

یزد بیش از هر شهر دیگر ایران قرین صلح و آرامش بوده است و بهمین جهت تجارت آنشهر بیشتر از هر شهر ترقی کرده است . محصول مهم آن عبارت است از ابریشم، فرش، نمد و شالهایی که از پشم کرمان بافته میشود و پارچه های خشن پنبه ای بعلاوه تهیه محصولات تازه ای در این شهر تجربه شده است که موفقیت آنها حتمی بنظر میرسد مهمترین آنها پارچه ایست که از مخلوطی پشم کرمان و ابریشم تهیه میشود و با شال یزدی رقابت میکند دیگر تقلیدی از حریر های گلدار انگلیسی و مخمل است وقتی بمطالب فوق اضافه کنم که غیر از آنچه نامبرده شد در حوالی این شهر معادن سرب وجود دارد که هم اکنون استخراج میشود بعلاوه رشته های پر برکتی از مس و آهن در این منطقه هست آنوقت میتوان حدس زد که در صورت ثبات وضع ایران این شهر چقدر ترقی خواهد کرد .

شیراز مهمترین فراآورده اش عبارت است از تفنک، طپانچه، شمشیر و سایر سلاحهای نظامی لوازم شیشه و بلوری، پوست گوسفند و بره برای کلاه، اشیاء طلا و نقره اشیاء مینائی و پارچه های خشن که بسایر نواحی امپراطوری برده میشود . پس از انتقال پایتخت، از اهمیت این شهر بسیار کاسته شد اما تا زمانیکه بوشهر مهمترین بندر خلیج است این شهر اهمیت نسبی خود را بعنوان مرکز تجارت حفظ خواهد کرد و بزرگترین مرکز بازرگانی با هندوستان خواهد بود .

ابریشم و قالی کاشان اشتهار دارد محصول ابریشم کاشان بلافاصله بعد از رشت قرار دارد و فرش آن تقریباً در ردیف فرشهای است

که در طبس و سایر شهرهای خراسان مستقل تهیه میشود از مخمل و سایر چیزهایی که در اروپا تهیه میشود در این شهر بهترین طرزی تقلید شده است چه مردم این شهر صنعت کارهایی هنرمند و اهل ذوق هستند.

همدان - بهترین چرم را تهیه میکند که مهمترین محصول صادراتی آنست ولی فراآورده‌های دیگری از قبیل نمذ زین و پارچه‌های خشن هم دارد محصول ابریشم رشت بسیار مورد توجه است ولی چون گرانتر از محصول کاشان و یزد است مصرف آن زیاد نیست بعلاّه زین پوش و غاشیه (که در ایران مشتری زیاد دارد) در این شهر تهیه میشود؛ زین پوشها از ماهوت انگلیسی و شال کشمیر منقش است و با صرف وقت و زحمت بسیار در نهایت سلیقه بر روی یکدیگر دوخته میشوند. بغیر از کالاهائی که شرح داده شد انواع غلات و حبوبات جزء اموال التجاره محسوب میشود که بر حسب احتیاج بین ایالات تجارت میشود از فارس همواره مقدار قابل ملاحظه‌ای توتون و تنباکو به ایالات صادر میشود زیرا یک نوع بسیار عالی از این بوته در این ناحیه بعمل می‌آید.

در ایالات مازندران کانهای آهن بسیار وجود دارد که استخراج میشود ولی محصول آن باندازه آهن اروپا مشتری ندارد شاید علتش بی اطلاعی از طرق عملی استخراج است.

در نزدیکی شهر مزینان در خراسان مستقل که سال گذشته بتصرف شاه ایران در آمد معدن مس مشهوری وجود دارد که تاملرک نادر شاه استخراج میشد و چند سال قبل در صورت صادرات بنادر کامبرون دیدم مقداری مس از یزد برای کمپانی محترم رسیده بود پس از تحقیق یقین کردم که از محصول این معدن بوده است.

تجارت خارجی ایران

ایران با هندوستان و عربستان از راه خلیج و باروسیه از بحر خزر با امپراطوری ترك و قلمرو کابل و بخارا بوسیله کاروان‌ها از راه خشکی تجارت میکند در اینجا از خراسان مستقل که تاملرک نادر شاه کاملاً جزء ایران بوده و اکنون هم محصولاتش بطور عموم مثل سایر ایالات است ذکر نمیکنم.

هندوستان

بهای کلیه واردات ایران از هندوستان از دو میلیون و ششصد هزار روپیه تجاوز نمیکند مواد عمده آن عبارت است:

از بنگال

شکر ، موسلین ، قماش ، نیل
از مدرس

چیت ، قماش ، نیل

از بمبئی

کالاهاى اروپائى ، ظروف چینی آلات ، شکر ، کافور

از ساحل مالابار

چوب کشتی سازی ، طناب ازالیاف نارگیل برای تجهیز کشتی،
فلفل سیاه زنجبیل، زردچوبه، هل و غیره

از سورات

پارچه های زری (کم خواب) قماش ، قماش ضخیم ، نیل چیت
ضخیم ، پارچه های پنبه ، نخ ، دستمال

از باتاویا

شکر وادویه

دول سند Devail - Scind

چیت زبر ، چرم ، روغن و پنبه

مواد خام صادراتی کمپانی محترم که جزء این صورت نیامده
عبارتست ماهوت ، فاستونی، آهن ، فولاد ، سرب و قلع . اگر فرض کنیم
ریز صادرات عبارت باشند از ۵۰۰ توپ ماهوت مقداری فاستونی
۷۵ تن آهن سی تن قلع ۱۵۰ تن سرب و ۸ تن فولاد (که این مقدار
حد اکثر صادرات کمپانی بوده است) قیمت آنها در حدود چهارصد هزار
روپیه میباشد بنابراین مجموع صادرات هندوستان بایران بالغ بر سه
میلیون روپیه میشود .

صادرات ایران به هندوستان ابریشم، مروارید، گوگرد انقوزه پشم
کرمانی ، انواع خشکبار ، فرش ، مازو، گلاب، دوا، ماهی شور ، گندم
مرمکی، زعفران توتون و انواع حبوبات که بهای آنها بیش از یک میلیون و نیم
روپیه نمیشود که یک میلیون و نیم بهای بقیه ارزش صادرات هندوستان علی رغم
پریشانی وضع مالی مملکت مسکوک و نقد فرستاده میشود در مبادلات تجارتي
این ضرری است که تاجر ایرانی همواره ناچار متحمل میشود .

عربستان

از دریای سرخ سالیانه در حدود یکصد هزار روپیه مسکوک تقدوار
ایران میشود ب علاوه غلامان حبشی و مقدار کمی قهوه بیهای در حدود

يك صد و بيست هزار روبه و از سواحل جنوبی خليج فارس مرواريد، پارچه های خشن ببلغ ۲۰۰ هزار روبه. ايران همه ساله مقداری فرش، گندم، توتون خشکبار، دوا، گل های خشک، گلاب، حبوبات و رنگ قرمز (حنا) بدریای سرخ و گندم، توتون و رنگ قرمز (حنا) ببحرين میفرستد.

زوار ایرانی که بمکه میروند هر سال در حدود ۳۰۰ نفرند که صرف نظر از مال التجاره هريك باید لااقل ۲۰۰ روبه مسكوك با خود ببرند که از این راه مجموعاً ۶ لك (۱) روبه مسكوك از ایران بطرف عربستان میرود.

روسیه

واردات ایران از روسیه عبارت از مسكوكات طلا و نقره، آهن كارد و چنگال، بلور آلات، آینه، نوشت افزار، ماهوت، شال کشمیری پارچه موئی که بفارسی بيگرس Beigress نامیده میشود انواع مختلف چرم روسی، الكل، زری، پوست های مختلف، پوست های بره که قزاقی نامیده میشود، قرمزدانه انواع پارچه های خشن، منقوش و ساده، پارچه نخی سفت بافت (كالتور) اروپائی، چیت، مخمل، ساعت دیواری و مچی، تفنگ و طباچه روغن، آهن، برنج، فولاد و سرب و دندان اسب دریائی این واردات که قیمت آنها نتوانسته ام تحقیقا معلوم کنم یقین دارم که از ۲ میلیون در سال تجاوز نمیکنند در مقابل این اشیاء ایران ابریشم خام و مصنوع پنبه، نخ، پوست بره خشن، برنج، پوست روباه، پارچه های زری اصفهان، مروارید، پارچه و چیت خشن بافت ایران، نفت، زعفران، سولفور، مازو و مقداری از پارچه و چیت های هندی صادر میکند.

ترکیه

ایران از ترکیه وارداتی از قبیل سکه و شمس طلا، جواهرات Tabbies که نوعی مخمل است پارچه های پشمی فرانسوی و ونیزی و سایر محصرلات اروپائی، کالا های دمشق و حلب، بلور آلات، بلورهای منقوش و مرجان کهربا، فلز آلات، چوب برای رنگرزی، شنكرف، سفید آب آینه، تریاك، آهن، فولاد پارچه زری و گلابتون وارد میشود. در مقابل صادراتی که تخمیناً در حدود سه میلیون پانصد هزار روبه است و عبارتند از ابریشم، شال کشمیر، نيل هندی، پارچه های خشن منقوش، سقز، امونیاك، توتون پوست بره پنبه قرمز نانه، ریوند زعفران، پارچه، زری، پارچه های منقوش اصفهانی دارد.

۱- نویسنده اشتباهاً ۶ لك نوشته در صورتیکه باید شصت هزار نوشته باشد زیرا هر لك يكصد هزار است.

از روی حساب دقیق بطور متوسط زوار ایرانی سالیانه مبلغی در حدود یک میلیون روپیه بپغداد و سایر اعیان مقدسه آن ناحیه میبرند ، در عرض دوسه سال اخیر جواهراتی که از قسطنطنیه بپغداد فرستاده میشود در ایران مشتری خوبی پیدا کرده ولی این رونق موقتی است چه شاه کنونی است که در سراسر کشورش تنها خریدار جواهرات میباشد و محتمل است در اتفاقات آینده تمام آنچه که داخل ایران شده را بخود را پیش گرفته و بارو با باز گردد یا بکابل و هندوستان برود .

کابل

ایران هر ساله از قلمرو زمانشاه نیل، شال کشمیر، چیت ضخیم، دواو ریو وارد میکند که بهای آنها در حدود مبلغ معتنا به چهار میلیون روپیه میباشد در مقابل پارچه های اروپائی ، ساتن، مخمل، ابریشم ، گلابتون ، الماس یا قوت، زمرد، و مروارید، و پارچه های زری اصفهان، گلابتون، پارچه های خشن مختلف اللون، زعفران ، کالای خرازی، ابریشم یزد و کاشان و محصولات ازبک کرمانی صادر میکند که قیمت آن بالغ بر ۳۰ میلیون روپیه میگردد و مابه التفاوت تقدأ ارسال میشود .

آنچه که از بخارا و نواحی ازبک نشین وارد ایران میشود اکنون بسیار کم و محدود است و بیشتر منحصر بپوست بره سیاه، نخ، و خاکه طلاست که بهای آنها از پانصد هزار روپیه تجاوز نمیکند و در مقابل انواع پارچه های زری و گلابتون، پوست بره مختلف، پارچه های خشن برنگهای مختلف، مروارید، ابریشم، مرجان و شیشه های الوان فرستاده میشود .

ملاحظات عمومی راجع به تجارت ایران

واردات و صادرات ایران (چنانکه صورتهای فوق را صحیح بدانیم) از دو میلیون و نیم استرلینگ تجاوز نمیکنند و اگر در نظر بگیریم که لااقل نیمی از این کالاها از این کشور عبور کرده و بکشورهای دیگر میرود آنوقت میتوان قضاوت کرد که نسبت بوسعت مملکت این تجارت ناچیز است . اگر وضع ایران ثبات و آرامش بیابد و حکومت نیز صنعت و محصولات را تشویق کند بازرگانی ایران تاسه برابر افزوده میشود و بفرض چنین توسعه ای باز با اغلب کشورهایی که وسعتش نصف این کشور است قابل مقایسه نخواهد بود .

ایران آبهوای مساعدی دارد و کشوری است که در آنجا فراوانی

است ولی تمول نیست و بنظر می آید عوامل قوی طبیعی آنرا باینحال درآورده است. در تمام مملکت کانال ورود خانه قابل کشتیرانی (۱) وجود ندارد و بطور کلی تعداد رودخانه ها بسیار کم هستند و در هر جا که رودخانه ای هست در گذشته نهایت کوشش شده ، هم اکنون نیز سعی میشود، که تا آخرین قطره آن صرف آبیاری مزارع کشور بشود بواسطه کمی آب ، چوب نیز در ایران کمیاب است صرفنظر از باغهایی که در نزدیکی شهر ها هستند و خیابانهایی که در حوالی شهر های بزرگ درختکاری شده است هیچ جنگل مصنوعی یا طبیعی در زمین مسطح دیده نمیشود در دامنه برخی از کوهها درختهایی وجود دارند که چوبهایشان کم ارزش است و تیر و الوار خوب بکلی نایاب است، لذا استعداد ایرانیان در کشتی سازی بسیار کم است اگرچه تمایل آنها کافی بوده در سواحل خلیج یا خزر کشتی هایی بسازند، مخصوصاً در سواحل دریای خزر که بواسطه نزدیکی به ایالت مازندران که بیش از سایر نقاط ایران چوب خوب دارد این کار کاملاً عملی بوده است. باوجود اینکه راههای ایران با اصلاح کمی برای بارکشها قابل استفاده است ولی هیچگونه بارکش چرخ دار در ایران وجود ندارد و شاید کمیابی الوار خوب یکی از علل آنست و شاید هم ساختمان شهرها که کوچه هایش بسیار باریک هستند علت دیگر کمیابی وسایل چرخ دار باشد ولی علت اساسی عدم اطلاع آنها از درجه سهولت و استفاده از این نقلیه برای حمل مال التجاره است .

ایران از حیث جمعیت از دول متوسط هم پائین تر است و بیش از نصف سکنه آن ایلاتی هستند که در چادر زندگی کرده و بمقتضای فصل از ناحیه ای بناحیه دیگر کوچ میکنند .

تصور نمیکنم فعلاً بیشتر از يك هفتم سطح ایران مزروع باشد و قطعاً هر قدر هم سعی بشود بیش از يك پنجم آن قابل استفاده نخواهد شد واکثراً پوشیده از مراتع بسیار خوب است که اگر ایران حکومت ثابتی داشته باشد به آسانی خواهد توانست بشکثیر و تربیت رمة های اغنام و احشام و همچنین محصولات مزارع خود اهتمام ورزد. تمول حقیقی امپراطوری ایران و بهای کالا و تجارت آن همیشه

۱ - رود کارون را که از شوشتر میگذرد تا بخاک عربستان نرسیده نمیتوان قابل کشتیرانی دانست

بیش از اندازه حقیقی نشان داده شده است زیرا عادت جنگجویی ساکنین این کشور به حکومت آن فرصت داده است که باغلبه بر کشورهای دیگر بتمول آنها دست یافته و آنها را بداخله کشور خود بیاورد و همین ازدیاد موقتی و غیر ثابت ثروت سبب شده که تمول کشور بیش از حقیقت جلوه نماید باملاحظه صورتی که از وضع تجاری ایران ذکر شد معلوم میشود که این ملت برای تعادل تراز تجارت خود و خرج زوار ناچار است همه ساله مقداری وجه، علاوه بر کالا هائی که صادر میکند، از کشور بخارج بفرستد و چون این کشور معدنی ندارد ناچار سرمایه نقد کشور رو بقتصان رفته و تمام خواهد شد مگر اینکه اتفاقاً از ممالک دیگر سرمایه تازه ای بکشور داخل شود؛ آنچه نادر شاه از هندوستان با خود آورد آخرین تمولی است که ب سرمایه ایران افزوده شده و ثروتی که از این راه بدست آمده بیش از آنست که باین زودی پایان یابد. اگر حکومت ثابتی در ایران روی کار بیاید که کشاورزی و محصولات صنعتی را تشویق کند (اتفاقی است که باید آرزو کرد نه اینکه انتظار داشت) این امپراطوری خواهد توانست بزودی نه تنها واردات خود را با صادرات جبران کند بلکه تراز بازرگانی را برفع خویش بالا ببرد، منابع قابل اطمینان ثروت که ایران در اختیار دارد عبارتند از:

اول - ابریشم باینکه مثل سابق وزمانیکه این ماده اولیه فقط در چند نقطه جهان تهیه میشد مورد تقاضای بیست و لی هنوز هم کالائی است که هر مقدار از آن بدست بیاید بخوبی فروخته خواهد شد.

دوم - پشم کرمان - این محصول ذیقیمت که فقط در ایران بدست می آید در اروپا مشتری های ثابت دارد و فقط صرف کمی دقت و توجه بزهای این ایالت و سعی در بهبود نژاد آنها کافی است که بهر مقدار لازم باشد توسعه و ازدیاد یابد.

سوم - آهن، مس و سرب - محصول معادن این فلزات ایران نه تنها احتیاجات داخلی را میتواند رفع کند بلکه، اگر توجه بشود، يك منبع پر ارزش تمول و تجارت با کشور های مجاور خواهد بود.

چهارم - گندم - محصولی است که همواره بدریای سرخ و بصره و سواحل جنوبی خلیج فارس و حتی مقداری هم بسورات و بمبئی صادر میشود پنجم - شراب - اگر تعصب مذهبی مخالفت نداشت شاید تهیه شراب عالی بمقداری در ایران ممکن میبود که خود میتواند يك منبع پر ارزش صادراتی باشد.

ششم - خشکبار و میوه های خشك - اگر آرامش ایران ادامه یابد این کالای صادراتی امپراطوری از مقدار کنونیهم، که قابل ملاحظه است، خیلی زیادتر میشود .

هفتم - گوگرد - صدور هر مقدار از آن ممکن است .

هشتم - فرش - تنها در ایران برابر تمام دنیا تهیه میشود .

نهم - توتون - که مخصوصاً بیشتر در ایالت فارس و بوفور بعمل میآید و بواسطه خوبی جنس آن همیشه در ترکیه و عربستان طالب دارد .

دهم - مازو - که مقدار زیادی از آن بروسیه و ترکیه فرستاده میشود . تجارت ایران با هندوستان که از راه خلیج است از سایرین مهمتر بوده و کمتر تصور میرود که دستخوش تغییرات بشود و بنظر می آید که در آینده توسعه یابد .

اهمیت تجارت ایران با هند بدو علت زیر است :

اولا - کالاهای مورد احتیاج ایران بیشتر از این راه می آید . - ثانیاً - هروقت لازم باشد ایران میتواند تقریباً تمام موادی که از سایر نواحی وارد میکند ، مثل کالاهای اروپائی که اکنون از راه ترکیه و روسیه وارد میشود یا شال کشمیر و نیل که از کابل میرسد، از این راه دریافت نماید چون اکنون شالهارا نمیتوانند از ناحیه اندوس Indus بسورات بفرستند بیشتر بایران فرستاده میشود و همچنین نیلی که در بنگال تهیه میشود در عرض چهار سال اخیر بایران فرستاده شده است و اکنون از محصول نیل قسمت های شمالی هندوستان که از راه کابل و قند هار وارد میشد بیشتر مشتری دارد و امید میرود در آینده این ماده يك منبع بزرگ تجارتي بشمار رود . بموجب حسابهای دقیقی که بصحت آن اطمینان دارم بهای نیلی که از کابل بایران وارد میشود سه ملیون و سیصد هزار روپیه است که دو ثلث آن مجدداً به ترکیه صادر میشود .

اگر قرمزدانه را در هندوستان خوب بعمل بیاورند همواره با اطمینان و با سود در ایران بفروش خواهد رفت زیرا این ماده برای رنگ کردن پارچه های ابریشمی بکار میرود .

بصره ۱۰ آوریل ۱۸۰۱

جان ملکلم (فرستاده)



پیوست نامه شماره ۱۵

**خلاصه نامه آقای کامپبل وابسته سفارت در ایران
به آقای داوید اسکوت بتاريخ نوامبر ۱۸۰۰ - از تهران - ایران
آقای گرامی من**

بنظرم وضع کنونی ارزشی بنامه هایم می دهد که در حال عادی ممکن نبود از اینجهت نمیتوانم از نگارش خوداری نمایم . نامه قبلی را از اصفهان تقدیم داشتم، هیئت سفارت در ۲۸ ماه گذشته آن شهر را ترک گفت و در ۱۳ ماه جاری باینجا رسید. بارضایت خاطر اطلاع میدهم که پذیرائی شایانی که از طرف شاه ایران از هیئت سفارت شد باعث افتخار کمپانی هند شرقی و ملت بریتانیا گردید .

تشریح وضع کشوری دور در يك نامه، اجازه نمیدهد که جزئیات جریان پذیرائی را توضیح دهم اگرچه بخودی خود اهمیتی ندارد ولی از آنجا که در ایران شخصیت و اهمیت سفرا بسته گی بطرز پذیرفته شدن آنها از طرف شاه دارد مختصراً عرض میکنم، پذیرائی که از کاپیتان جان ملکم شده در نهایت درجه محترمانه بوده و نامبرده تاکنون دو بار بار یافته مرتبه اول سه روز پس از ورود بود و این افتخار فوق العاده ای است چه معمولاً سفرا چندین ماه بانتظار ملاقات میمانند در این ملاقات نامه مارکی ولزلی Wellesley و هدایا تقدیم شد که بسیار مورد توجه شاه قرار گرفت .

چون نمیخواهم مصدع وقت شما که بالضروره وقف کارهای مهمتر است بشوم از شرح و بسط مطالب خود داری میکنم فقط بعرض اطلاعاتی مربوط بوضع حاضر و کنونی ایران که بنظر من مورد علاقه شماست اکتفا میکنم .

در نامه قبلی معروض شد که شاه کنونی فقط چند سال است بسلطنت رسیده و فعلاً بر تمام ایران بجز ایالت خراسان حکمرانی میکند و این موفقیت رافقط رهین عقل و ذکاوت و شجاعت شاه فقید خواجه آقا محمد خان عمویش میباشد که در عین قساوت و خونخواری و استبداد مردی بسیار با استعداد بود، هنگام مرگ شاه کریمخان در ۱۷۷۸ اواز هرات بقسمت های شمال ایران فرار کرد و وقتیکه جانشینان و بازمانده گان کریمخان بر سر تعیین سلطان با یکدیگر میجنگیدند او با فراست و بصیرت کامل در صدد

تهیه و تربیت عده سرباز برآمد و قدرت خود را در شمال مستقر کرد و پس از فراغت از اینکار مدعی سلطنت شد و مخالفینش بواسطه اختلافات داخلی در برابر نبوغ و استعداد او سرفروذ آوردند.

و در عرض چند سال سلطان بلامعارض ایران شد سپس برای اطمینان خاطر رقبای احتمالی و بازماندگان کریمخان را، که بیم آن میرفت نظم و آرامش حکومت او را برهم زنند، ریشه کن ساخته است از اینرو مخالف و رقیبی برای شاه کنونی باقی نمانده و از احتمال اتفاقات داخلی آسوده خیال بوده در نتیجه جاه طلبی بفکر کشور گشائی و دست یافتن بخراسان است.

این ایالت وسیع که بلاشبهه جزئی از ایران است بین قلمرو فعلی شاه ایران و زمانشاه قرار دارد و چون استخوانی در زخم، بین دو سلطان مقتدر و رقیب قرار گرفته است.

فعلا چهار یانچ نفر از سرکردگان مستقل در آنجا حکومت میکنند که بکمک عوامل و قوای طبیعی محلی و اشکال نگهداری قشون مجهزو زیاد در این ناحیه و همچنین بعلت رقابت بین شاه ایران و زمانشاه این سرکردگان توانسته اند استقلال و خود مختاری خود را حفظ نمایند و مثل اغلب کشور های کوچک که با کشور های مقتدر احاطه شده باشند آنها نیز گاهی در صدد جلب رضایت یکی و یا نزدیک شدن بدیگری « هر کدام که بامنافشان وفق دهد » بر می آیند ولی همواره مترصد هستند که باستقلالشان لطمه ای وارد نیاید و باین طریق است که باستقلال خود ادامه میدهند وقتی شاه ایران بقصد حمله به آنها حرکت میکند زمانشاه بمساعدت آنها قیام مینماید در نتیجه آنها تشویق بمقاومت میشوند در دو سال گذشته بواسطه عدم مهارت ایرانیان در عملیات محاصره قلاع توانسته اند حملات آنها را دفع کنند. از اینرو یقین است که زمانشاه نمیتواند آزادانه از قلمرو خود خارج شده و دست بعمله بکشور خارجی بزند چه در اینصورت شاه ایران با تصرف خراسان آتقدر بقدرتش افزوده میشود که وضع زمانشاه در مخاطره قرار میگردد. بنا بر این تا وقتی که وضع اینکشور بدینمحوال است تصور نمیرود زمانشاه باغبیت خود و قشونکشی بکشور دور دیگری قلمرو فعلی اش را در معرض خطر حمله شاه ایران که، پس از غلبه بر خراسان محتمل است، بگذارد. و بهمین علت زمانشاه نمیتواند آرامش بمستملکات بریتانیا در هند را با حمله و قشون کشی به هندوستان بهم بزند.

یقین داریم، اطلاع بر اینکه قشونکشی که از مدتی پیش مطمح نظر بوده و چندین بار هم مبادرت شده است با وضع کبونی غیر عملی است؛ شمارا خرسند و راضی خواهد ساخت؛ با اطلاعات عمیقی که از قدرت و استقرار نفوذ بریتانیا دارید بایستی از حمله هر دشمن بسیار خطر ناکی مطمئن باشید ولی در عین حال مانعی ندارد که تذکردهم میتوان با اطمینان خاطر از تهدید و هزینه ای که دشمن مقتدری مثل زمانشاه، ممکن است فراهم کند هم اکنون و هم در آینده آسوده بود.

از آنچه که عرض شد فوراً حدس خواهید زد که ثبات وضع و قدرت ایران از لحاظ سیاسی فعلاً تا چه اندازه برای حکومت بریتانیا اهمیت دارد. برزوا وقتی که این کشور مقتدر و متشکل بماند از حمله و نظریات خصومت آمیز زمانشاه نسبت به هندوستان جلوگیری شده است و با اطمینان خاطر میتوان شمارا مطمئن نمایم که اجرای نظریات او تا مدتی نمیتواند عملی بشود. شاه ایران طی دو سال گذشته سعی بی نتیجه ای در دست یافتن بخراسان کرده است و اگرچه بسیار مایل است که اثر سوء اقدامات گذشته و عدم موفقیت ها با حمله سومی که در بهار آینده خواهد کرد از بین برود ولی پشتیبانی و کمک زمانشاه از سرکردگان و روسای خراسان با احتمال قوی سبب خواهد شد که از این حمله نیز نتیجه کافی گرفته نشود. اگر اقداماتش با موفقیت یا عدم موفقیت مواجه گردد برای منافع بریتانیا علی السویه است زیرا عدم موفقیت هم او را تحریک به تعقیب اقداماتش خواهد کرد و در نتیجه زمانشاه مجبور بماندن در داخله قلمرو خودش خواهد بود و همینطور موفقیت نیز آنقدر بقدرت و اهمیت او خواهد افزود که زمانشاه ناچار بقدری بروضع کشور و خودش بیمناک خواهد بود که بفکر حمله بکشور خارجی دیگری نخواهد افتاد.

ممکن است از نظر مصالح بریتانیا صلاح در آن باشد که خراسان مستقل باقی بماند و اختلافات و حسادت بین دو سلطان رقیب دنباله ییابد، ولی اگر قرار باشد که بتصرف یکی از طرفین درآید بهتر است که آنطرف پادشاه ایران باشد زیرا قدرت و قوت او فعلاً از زمانشاه کمتر است اما تصرف خراسان این وضع را بنفع شاه ایران تغییر خواهد داد.

نهایت سعی را کرده ام که وضع حاضر کشور و امور مربوط باین قسمت آسیرا تا آنجا که از عهده ام برمیآید و طبیعت موضوع اجازه میدهد تشریح کنم. در سالهای گذشته وضع امور این نواحی، بواسطه عدم آشنائی با

افکار و نظریات این سلاطین، بر ماتاریک بود بلکه برخلاف واقع هم مفهوم شده بود ولی مطمئن هستم اطلاعاتی را که کسب کرده ام و بصحت آن اطمینان دارم تاحدی خواهد توانست تاریکی را از بین برده و بمناسبت تازگی اخبار مورد توجه شما واقع گردد. متائرم که از امور تجاری اطلاع کافی ندارم و اگر تصور آن نبود که ممکن است بی اهمیت ترین اخبار کمکی بروشن شدن و تشریح وضع ایران نماید از اظهار نظر در این موضوع بکلی خود داری می کردم.

بی شک وضع تجارت ایران در مراحل بسیار پست است و بیشتر نتیجه اغتشاش و انقلابهای متعدد دائمی است که این کشور را در سالهای گذشته متقلب و مشوش ساخته است و اگر حکومت فعلی پایدار بماند و امنیت برقرار گردیده بازرگانان تشویق شوند یقیناً تجارت ایران بار دیگر نضجی خواهد یافت. مواد عمده اروپائی مورد احتیاج عبارتند از ماهوت، مقدار کمی آهن، فولاد، سرب و برخی اشیاء متفرقه دیگر. مواد هندی که طالب دارد عبارتند از چیت سواحل کرور و ماندلو کجرات، نیل، ادویه، قمرزدانه، شکر، چینی آلات و اشیاء مختلف دیگر مقدار زیادی از این کالاها چه اروپائی و چه هندی با سودی بیش از صد در صد پیش فروش میشوند. که با ملاحظه نزدیکی راه و کمی خطرات باید تصدیق کرد سود بسیار زیادی است. تراز تجارت ایران کاملاً بضرر این کشور میباشد زیرا فعلاً صادرات مهمی جز مقداری خشکبار و چند جنس کم اهمیت دیگر ندارد لذا ناچار است برای وارد کردن مالالتجاره همواره مقداری از وجوه نقد و سرمایه خود را بخارج بفرستد در نتیجه پول کمیاب و قیمت مواد و اشیاء خارجی بسیار گران میگردد. یکی از سود های بسیار مهمی که عاید تجار طرف معامله با ایران میشود همین انتقال پول بهند است. سابقاً وقتی که کمپانی در کامبرون نمایندگی داشت از آنبند مقدار قابل ملاحظه ای پشم کرمانی صادر میشد ولی از وقتی که این نمایندگی برچیده شده این رشته تجارتی از بین رفته و کالای مزبور رونق خود را از دست داده است شک نیست این کالا را، که کمپانی در آن موقع تجملی تشخیص داد، اکنون میتوان احیاء نمود و از آن استفاده برد.

تعجب آور و در عین حال حقیقت محض است که تمام مصرف نیل قلمرو زمانشاه و شاه ایران و نواحی ترك که بال ایران هم سرحد است از محصولات پنجاب و سواحل سند است و با وجود مخارج گزافی که بواسطه

حمل از راه خشکی بر آن افزوده میشود باز با سود قابل ملاحظه ای به فروش میرسد، از اینجاستوان پی برد که از تجارت و حمل نیل، میان مملکات کمپانی درهند با ایران و بصره و بغداد، با اینکه بواسطه تعصب عمومی آسیایها که بسختی از آنچه عادت کرده اند منصرف میشوند و ممکن است تغییر مسیر و منحرف کردن این تجارت مدتی طول بکشد، تا چه اندازه میتوان سود برد؛ در قرار تجارتنی کاپیتان ملکلم این قسمت و سایر موضوعها مورد توجه بوده و از اینجهت با اطمینان خاطر، صرفنظر از منافع سیاسی این مسیون، سودی را که از احیای چندین رشته تجارت باکشور هائی که تجارت با آنان متضمن منافع کمپانی و ملت بریتانیا است عاید خواهد شد بشما تبریک عرض میکنیم.

ضمناً لازم میدانم نکته مهمی را که بوضع و منافع تجارت با این کشور مربوط است تذکر دهم و آن موضوع نزدیکی روسیه با ایران است که در نتیجه آن کشور خواهد توانست با شرایط ساده تری با ایران تجارتی برقرار سازد که بیش از هر ملت اروپائی سود ببرد. با نظری بنقشه معلوم میشود که هشرخان در فاصله بسیار کمی از رشت، مرکز ایالات گیلان، قرارداد بین این نقطه و پایتخت فعلی ایران فقط ده روز راه است - از راه رود ولگا و کانال قابل کشتیرانی هشرخان ارتباط بوسیله آب با پترزبورگ برقرار است که میتوان گفت يك راه ارتباط ارزان و مستقیم بین ایران و پترزبورگ موجود است. با کمال تأسف باید بگویم در حال حاضر تجارت از این راه بسیار قابل توجه است و مقدار زیادی ماهوت و سایر کالاهای اروپائی که در ایران طالب زیادی دارد، از محصولات روسیه از راه هشرخان وارد میشود، این کالاهای مخصوصاً ماهوت آن که بسیار پست تر، ولی رنگهای آن بازار پسند تر و ارزانتر، از مال التجاره ایست که کمپانی میفرستد در این بازار با رجحان قطعی روبرو میشود. اگر حکومت روسیه به توسعه و بسط تجارت کالاهای اروپائی توجه نماید رقیب بسیار مقتدری در برابر تمام مال التجاره های کمپانی هند شرقی خواهد شد. از ذکر ابریشم در بین صادرات ایران خود داری شد باینجهت که محصول مزبور بیشتر در گیلان تهیه میشود و روسها تجارت آنرا منحصر بخود کرده و از راه کانال هشرخان آنرا صادر میکنند. میدانم اظهار نظرهای اینجانب در امور تجارتی بنظر جنابعالی

بسیارخام و ناهنجار خواهد آمد ولی صرفاً برای اثبات اندازهٔ علاقه‌ام بجلب رضایت خاطر جنابعالی بود که در این بحث داخل شده و با اطمینان بهمت عالی آنجناب، که شامل اینجناب شده و مورد بخشش قرار خواهم گرفت، جرئت کرده در موضوعی که اطلاعاتم در آن بسیار ناقص است بحث کردم نامه ام نیز پیش از آنچه که قصد داشتم طولانی شد ولی ممکن نبود آنچه را که قصد داشتم شرح دهم بیشتر از این خلاصه کرد و اطمینان دارم اطلاع جنابعالی بر آنچه محرک اینجناب بوده و همچنین اطلاعات و اخباری که در نامه است از درجه تصدیع آن خواهد کاست.

☆☆☆

نمره ۱۶

خصوصی

قسط‌نظنیه

۲۳ مه ۱۸۰۱

آقای گرامی من

نامه مورخه ۱۶ مارس جنابعالی که متضمن رونوشتی از دستورات صادره در آن تاریخ بعنوان کاپیتان ملکلم بود موقعی باینجناب رسید که در پاسخ سوالاتی که راجع باموریت تابستان گذشته از معظم له کرده بودم اوراق پیوست این نامه (۱) را دریافت داشتم. اطلاع ندارم که ارتباط اداری جنابعالی با نامبرده باقی است یا نه ولی چون میدانم که حکومت هندوستان نظایر این اوراق را با اهمیت تلقی میکند لذا این رونوشت را برای جنابعالی میفرستم و رونوشت دیگری از آنرا پیوست مکاتبات جاری، بحضور لرد ها کسپوری Hawkesbury ارسال خواهم داشت.

اگر مایل باشید میتوانم تحقیقات بیشتری در این زمینه بنمایم. مفتخرم، آقای گرامی، از ارادتمندان صمیمی جنابعالی محسوب شوم.

الچین Elgin

جناب جلالتمآب هانری دنداس

(۱) نمره ۱۷ - مقصود نمره ۱۴ است که در صفحات پیش

چاپ شده است.

قسمت دوم

❖ (یاد داشت) ❖

پس از بازگشت و کناره گیری سرجان ملکم ، سرهارفورد جونز Bt. K. C. LL. D. فرستاده بریتانیا باهدایای ذیقیمتی که پذیرائی شایسته و مجللی را تامین میکرد اعزام گردید و در موقع بسیار مناسبی ، یعنی در هنگامیکه میسیون فرانسوی بسرپرستی ژنرال گاردان پیش از آنقدر که قدرت انجام داشتند تعهد کرده بودند ، بایران رسید و موفق شد مذاکراتی را آغاز کند که در مارس ۱۸۰۹ منجر بانعقاد معاهده مقدماتی شد که مبنای پیمان قطعی ۱۸۱۴ گردید .

پس از استعفای سرهارفورد جونز در ۱۸۱۱ سرگور اوزلی بجای او مامور شد که بهمراهی سرویلیام اوزلی شرقشناس معروف بطرف ایران حرکت کرد . سرهارفورد جونز که بعد ها ملقب به بریج گردید . جریان امور میسیون خود را در کتاب (اقدامات نمایندگی اعلیحضرت در دربار ایران) چاپ لندن ۱۸۳۴ و ضمیمه آن شرح داده و کتابهای «تاریخ مختصروهایها چاپ لندن ۱۸۲۳» را تألیف و کتاب سلطنت قاجاریه را بانگلیسی ترجمه (لندن ۱۸۳۳) کرده است ؛ دبیر او جیمز موریه نویسنده مشهوری بود که کتابهایی بنام (اولین و دومین مسافرت بایران در ۱۸۱۲ و ۱۸۱۸)، (حاجی بابا ۱۸۲۴) (حاجی بابا در لندن ۱۸۲۸)، (سهراب ۱۸۳۲)، (عایشه ۸۳۴) ، تألیف و منتشر کرد .

نامه هایی که در صفحات بعد ملاحظه خواهد شد از نظر تاریخی آنقدر بمعلومات شما نخواهد افزود ولی خالی از فایده هم نخواهد بود.

ت . ا . ویلسن



نمره - ۱

بغداد

۳۰ ژوئیه ۱۸۰۵

خداوند گارا

بسیار شرمنده ام که تاکنون موفق نشده ام چیز های جزئی که برای جناب لرد تهیه کرده ام بانگلستان بفرستم . در طی مدت وزارت جناب عالی هزاران نفر مرهون الطاف جناب عالی خواهند شد . اما جسارت ورزیده برض عالی میرسانم از آنانکه مشمول مراحم بزرگوارانه

جنابعالی بوده اند هیچکس آنقدر باحشمتی و صمیمیت آرزو مند و مشتاق سلامت جنابعالی نیست باندازه ای که، خداوند گارا، مشمول مراسم، فدوی جان نثار شما هستم.

هار فرد جونز

جناب جلالتمآب و یکت ملویل بالقابہ

☆☆☆

پیوست شماره ۱ - کپیہ

بمبئی

۱۶ ژوئن ۱۸۰۸

خصوصی

خداوند گارا با اطلاع بعلاقہ ای که جنابعالی بچریان کار های میسیون اعزامی بایران دارید و باطمینان الطاف و مراحم جنابعالی، جسارت ورزیده، ورود خود را بدماغہ امید نیک اطلاع دادم و اینک بعرض میرسانم که در ۲۴ آوریل وارد بمبئی شدم.

شاید آقای دنداس باطلاع جناب لرد رسانیده باشد که بعلت انتصاب سرتیپ (بریگادیر جنرال) مالکلم از طرف فرمانفرمای کل بماموریت مخصوص، که در ۱۷ آوریل بصوب ایران حرکت کرده بود، اینجناب در هنگام ورود باچه موقعیت باریکی مواجه شدم.

طرز رفتاری که بمناسبت موقعیت کنونی پیش گرفته ام بطور خصوصی و رسمی مورد تصویب و تایید لرد میتو Minto قرار گرفته است؛ ولی شخصاً موقعی کاملاً راضی خواهم بود که اقداماتم مورد تصویب جناب لرد و آقای دنداس قرار بگیرد زیرا نمیتوانم فراموش کنم که بوسیله جنابعالی و ایشان بود که بهیئت وزرای اعلیحضرت معرفی شدم بنابراین سخت ترین ایام عمرم موقعی است که عملیات و اقداماتم نتواند حسن ظن جنابعالی را تایید و تأمین نماید.

باتقدیم پوزش توجه مخصوص جناب لرد را بدو موضوع، که صبح روز شرفیابی در ویملدون Wimbledon عرض شد، جلب مینمایم یکی اینکه آقای دنداس میتواند جزء فرامینی که فرمانروای کل بژنرال ملکلم داده است ملاحظه فرمایند که تقریباً عین نظریاتی که اینجناب، برای اجرای اوامر، بدستور آئای دنداس برای خودم تهیه کردم (تمام آنها در پیش نویس قلم خورده ای در نزد آقای رولستون است) در آن فرمانها دیده میشود دیگر اینکه بعرض جناب لرد رسانیدم شخصی که مأمور مذاکره با ایران میشود لازم است دارای درجه و التاب باشد اینموضوع طوری مورد توجه فرمانروای کل واقع گردیده که ژنرال ملکلم را بدرجه

بریکادیر ژنرالی مفتخر کرده اند .
جسارت ورزیده چند سطری بعنوان لیدی ملویل تقدیم میدارم و
تقاضا دارم جناب لرد صمیمی ترین احساسات بنده را پذیرفته و قبول بفرمایند
همیشه باحشمناسی کامل و احترام ،
خداوند گارا ، فدوی جان تشار رهین منت شما خواهم بود.
هار فورد جونز

ویکنت ملویل بالتابه



تهران

نمره - ۲

۹ آوریل ۱۸۰۹

خداوند گارا

شك نیست که آقای دنداس موفقیتی را که میسیون در این دربار
کسب کرده بعرض عالی خواهد رسانید از این لحاظ با امید بسیار خود را
یادآور حضور عالی شده و آرزو مندم جناب لرد از انجام کارها راضی بوده و
کاری نا کرده نمانده باشد که سبب سلب حسن ظنی که درباره اینجانب
مبدول فرموده اید بشود.

میتوانم اطمینان بدهم که هر گونه ارتباط این کشور با فرانسه
مقطوع گردیده است و بسیار شایقم که توصیه جناب لرد که ضمن نطق
۱۲ ژوئن ۱۸۰۱ در مجلس عوام فرمودید (با چشم باز بایستی مواظب
ایران بود) مورد توجه دولت اعلی حضرت قرار گیرد . خوشبختانه توانسته ام
کارها را طوری مرتب کنم که این کشور برای همیشه یکی از متحدین سودمند
و وفادار ما باقی بماند .

آقای جیمز موریه که بانامه های اینجانب عازم انگلستان است حامل
یکشال برای لیدی ملویل میباشد امیدوارم حضرت علیه با قبول آن برای اینجانب
منت خواهند نهاد و جسارتا یادآور میشود که فرش را خودم خواهم آورد .
آقای موریه بخوبی میتواند اطلاعات لازم از وضع این کشور را
بعرض برساند از فرصت استفاده کرده مشارالیه را معرفی میکنم که از
حمایت و مراحم عالی برخوردار شود .

توقیراً احترامات فائقه را خدمت حضرتعالی و لیدی ملویل تقدیم
داشته و مفتخرأ اطمینان میدهم که فدوی و جان تشار و متشکر مراحم

جناب لرد هستم .

هار فورد جونز

ویکنت ملویل بالقابه

☆☆☆

نمره - ۳

تبریز

۶ مه ۱۸۱۱

خداوند گارا

پس از باریافتن و کسب اجازه از اعلیحضرت پادشاه ایران ماموریتی که انجام و اجرای آن در نتیجه توجهات محبت آمیز و لطف مخصوص جناب لرد بعهدہ اینجناب واگذار شده بود پایان یافت پیش از اینکه بمیهم بازگردم وظیفه خود میدانم از کمک و توجه مخصوص و بسیاری که آشکار و نهان طی سفارت اخیر از طرف جناب عالی و آقای دنداس نسبت به کارها شامل اینجناب بوده است تشکر قلبی را تقدیم دارم . همچنین آرزو میکنم که پس از ورود بانگلستان نیز حسن ظن جنابعالی را نسبت بخودم ، که همیشه سبب افتخارم بوده است ، همچنان باقی و برقرار بیینم . چه پس از تصویب نامه ای که اعلیحضرت از راه بنده نوازی درباره خدماتم در ایران صادر فرموده اند ، فقط نظریات جناب لرد است که برای من ارزش دارد زیرا مطمئن هستم بهتر از هر کس اطلاع دارید که چه وظیفه مهمی بعهدہ داشته ام و این وظیفه چگونه انجام شده است .

باخوشوقتی اطلاع میدهم این کشور را در حالی ترک میکنم که از هر حیث روش و رفتاری بنفع انگلستان اتخاذ کرده و از ارتباط و پیوستگی که بافرانسه داشت کاملاً جدا گردیده است .

در نظر دارم ماه ژوئیه را در قسطنطنیه بمانم و در پاییز بانگلستان برسم که با کسب اجازه شرفیاب شده و احترامات خود را حضور جناب لرد ولیدی ملویل تقدیم دارم .

چون اطلاع یافته ام که آقای الکساندر بانگلستان رسیده است امیدوارم شراب شیرازی که کاپیتان داویس Davies از کاپ توسط او ارسال داشت بی عیب بجناب لرد رسیده است و چند سطری به سر هوگ انگلیس Sir Hugh Inglis نگاشته شد استدعا دارم در این خصوص از آقای الکساندر تحقیق نمایند .

تمنا دارم از روی بزرگی قبول زحمت فرموده سلام و تعارفات

احترام آمیز فدوی را حضور لیدی ملویل و همچنین آقا و خانم دنداس تقدیم فرمائید .

امیدوارم قبول فرمائید که آرزوی قلبی من سلامت و شادکامی جناب لرد بوده و با ارادت و بندگی، که نتیجه احترام و حقشناسی نسبت بالطافی است که مشمول آن بوده ام، مفتخرم اعلام دارم که ، خداوند گارا، فدوی جان شار و مرهون مراحم جنابعالی هستم .

هار فورد جونز

ویکنت ملویل بالقابه



نمره - ۴ خصوصی

بغداد

۶ سپامبر ۱۸۰۴

خداوند گارا

نامه مورخه ۲۴ مه جناب جلالتمآب لرد کاستلری Castle eagh که دوم ماه جاری مفتخر بدریافت آن گردیدم حاکی از خشنودی خاطر اعلیحضرت از خدمات حقیر اینجانب و حاوی فرمان شاهانه ای بود که بناسبت اعطای نشان ریبند Ribband و نشان صلیب درجه دوم Order B Aexen شرف صدور یافته و اینجانب را وادار می سازد (چون یقین دارم اقدامات جنابعالی مؤثر در این امر بوده است) استدعا نمایم مراتب صمیمیت و تشکر و سپاسگذاری اینجانب را بپذیرید .

قبلا جسارت ورزیده بعرض رسانیدم که حمایت جنابعالی از فدوی بزرگترین افتخار اینجانب است و آرزو میکنم فرصتی پیش آید تا بتوانم روزی مراتب فدویت خود را باثبات برسانم بانظار چنین روزی باتقدیم احترام و سپاسگذاری بی پایان ، جناب لرد ، مفتخرم جان شار شما باشم .

هار فرد جونز

جناب جلالتمآب ویکنت ملویل بالقابه



نمره - ۵

مهمانخانه ایبوستون کوچه او

۱۶ ژوئیه ۱۸۰۷

خداوند گارا

پس از دریافت اجازه ۸ روز مرخصی از آقای دنداس برای انجام

امور شخصی در هر مورد شایر خدمت سرهوك انگلیس شرفیاب شدم ایشان نظر ملاحظت آمیز جنابعالی نسبت بفدوی را که فرموده بودید، قبل از مسافرت بایران بایستی مفتخر بنشانه مراجع ملوکانه اعلیحضرت بشوم، ابلاغ فرمودند. خداوند گارا، فدوی همیشه خود را مرهون ملاحظت های جنابعالی، که همواره مشمول آن بوده ام، میدانم و تنها کاری که حقیر در مقابل میتواند انجام دهد اینست که از این همه اظهار لطف و حمایت جنابعالی سپاسگزار بوده و محبت هارا فراموش نکنم در وضع فعلی هر کاری که در ترفیع مقام و اثبات مراتب اطمینان حکومت، که اینجانب سمت نمایندگی آنرا دارم بشود، در پیشرفت مذاکرات و موفقیت که متضمن منافع عامه است کمک خواهد کرد.

بطوریکه جناب لرد از نامه سرهوك انگلیس استنباط خواهند فرمود خدمات اینجانب در گذشته سبب شد، که بابعالی یادداشتی از طرف حکومت ترك باینجانب و نامه ای بعنوان وزرا، برای جلب التفات اعلیحضرت نسبت باینجانب، صادر کرد.

خداوند گارا، اطمینان میدهم که چون در نتیجه توجه لرد ملویل مشمول مراجع عالی اعلیحضرت میشوم ارزش و اهمیت آن برای اینجانب بسیار زیادتر است.

میبایستی پیش از ترك شهر برای کسب افتخار در Cleveland Row شرفیاب میشدم ولی از بیم آنکه مزاحم وقت و مشغله بسیار جنابعالی بشوم از اینکار خودداری کردم امیدوارم جناب لرد اجازه خواهند فرمود که پیش از مسافرت از انگلستان شرفیاب شده و شخصا فرامین را دریافت داشته و حضوراً احترامات صمیمانه و سپاسگذاری از مراجعی نمایم که با کمال افتخار، جناب لرد، جان نثار را مرهون آن ساخته است.

هارفورد جونز

جناب جلالتمآب لرد ویکت ملویل بالقابه



اداره هند شرقی

۳۰ مه ۱۸۱۰

نمره ۶

آقای محترم

مفتخریم که رونوشت دونا مه خصوصی که از طرف سرگوراوزلی بعنوان متصدی این اداره رسیده است برای اطلاع جنابعالی تقدیم داریم. یکی از

باملاحظه دستور جنابعالی مبنی بر تصویب و پرداخت مخارج متفرقه که بعنوان انعام بنو کرهای میرزاود یگردد رباریان ایران داده میشد بایشان نوشته شده و نامه دیگر بطوریکه ملاحظه میشود نظر موافقت آمیز سرگوراولی است؛ بادر نظر گرفتن وضع فعلی که هر روز بعنوان مختلف اشخاص محترمی بایران اعزام شده و احتیاجات مالی افزوده میگردد، وظیفه خود میدانیم که باطلاع برسانیم برای اجرای دستورات باوضع مشکلی مواجه شده ایم چه وجه اختصاصی کمپانی شرقی فقط وقتی قابل پرداخت است که از طرف هیئت رئیسه امور هندوستان تصویب بشود زیرا این هیئت تنها مقام صلاحیت دار است که میتواند مخارج سیاسی را دستور بدهد. باید معلوم کرد که آیا لازم است در نظایر و امثال این موضوع هم موافقت هیئت مدیره را جاب نمود؟ عقیده شخصی اینجانبان این است که وقتی شخصی از طرف اعلیحضرت بعنوان سفارت در دربار تهران تعیین میشود باید بهای پیشکشیهائی که همراه سفیر فرستاده میشود که در موقع معرفی خود بدربار ایران تقدیم نماید از بودجه عمومی پرداخته شود. در باره نوکرهای میرزا نیز میتوان همین رویه را اجراء نمود البته تصمیم با اجرای این عقیده شخصی نداشته منتظر اعلام نظر از طرف جنابعالی هستیم؛ ضمناً معلوم فرمائید آیا بهتر نیست که هزینه افسران و مأمورین مخصوص که از این کشور بایران اعزام میشود از بودجه کشور پرداخت شود زیرا میزان علاقه کمپانی شرقی نیز بهمان نسبت و اندازه علاقت و منافعه عمومی است واضح است که این موسسه هر قدر عضو اداری و مأمور مخصوص که از هندوستان برای خدمت ایران لازم باشد تقبل میکند. بطوریکه اطلاع دارید سرگوراولی تا کنون در خصوص ساختن بنا برای اقامت سفیر بریتانیا در تهران چیزی ننکاشته است ولی قبلاً چندین بار در این خصوص مذاکره شده لذا بجای مدانییم خاطر عالی را از عقیده قطعی خود مستحضر سازیم، چنانکه اجرای این تصمیم لازم بنظر آید نباید مخارجی از این حیث بعهده کمپانی هند شرقی واگذار شود. زیرا نظیر این موضوع در قسطنطنیه پیش آمد چه در عین حال که معمولاً سفیر آن دربار از طرف کمپانی لوان Levent Company انتخاب میشد محل اقامت سفیر از هزینه و بودجه عمومی ساخته شد. مفتخریم آقا که خدمت گزار صمیمی شما هستیم.

ویلیام استل Will. Asstel

ژاکب بونزانکت Jacob Bosanquet

بجناب جلالتما بربرت دنداس بالقابه



نمره - ۷ رونوشت شماره ۱۵ کوچه بارك
۲۶ مه ۱۸۱۰

آقای محترم

دریافت نامه ملاطفت آمیز مورخه بیست و چهارم باعث مسرت گردید
خوشوقتم باطلاع جنابعالی برسانم میرزا و اینجانب بخوبی میدانیم
که جناب توجه محبت آمیز جنابعالی متضمن تأخیر است ولی دلائل
بسیار مهمی و ادا دار میکند که توجه مخصوص را در اینوقت استدعا
نمایم. کارهای مختصری هست که مرتب کردن آنها (که تصور میکنم در یک هفته
انجام شود) مانع حرکت فوری خواهد بود مگر اینکه برای موافقت هیئت
مدیره با درخواستهای شاه ایران ناچار به تأخیر بیشتر باشیم برای انجام
موضوعاتی که در نظر است معتقدیم يك افسر نیروی دریائی بعنوان
سرپرست (کمیسر) و دو نفر افسر توپخانه و مهندس که مجموعاً سه نفر افسر
بشود کافی خواهد بود، پس از آنکه با حرکت این افسران و هزینه سفر آنان
موافقت بفرمائید لردولزلی Wellesley برای کسب اجازه آنها به لرداول
دریاداری و فرمانده کل تجهیزات مراجعه خواهند فرمود. هم اکنون
سه نفر دواطلب این خدمت هستند که کاپیتان لوئیس R. N. Lewis و کاپیتان
دارسی D'Arcy و کاپیتان استون Stone میباشد که دو نفر اخیر میتوانند وظایف
افسر توپخانه و مهندس را انجام دهند از این قرار برای انجام اینکار فقط منتظر
اعلام نظر از طرف جنابعالی هستیم لازم است در خصوص کشتی ساز و چوب شناس،
نجار کشتی و هم چنین متخصص توپ ریزی و چهار چرخه ساز (نقلیه چرخ دار)
زین و یراق ساز و دو نفر توپچی در Woolwich اقدام لازم بعمل آید. اگر
به کاپیتان لوئیس و دارسی ماموریت داده بشود خودشان اشخاص لازم را انتخاب
خواهند کرد و باید برای هر نفر ۴۰ پوند بعنوان خرج سفر منظور شود و
بعداً برای تامین مخارجشان در تهران بمقامات لازم رجوع خواهیم کرد.
خواهشمندم زودتر نظر خود را اعلام فرمائید.

با کمال احترام طی یادداشتی صورت اشیاء مورد احتیاج را که تهیه و خرید آنها تحت نظر میرزا انجام خواهد شد پیوست می نمایم که بعد از دریافت جواب موافقت آمیز فوری اقدام بشود و همچنین صورتی از نام نوکرهای ایرانی نیز که همگی در یک ردیف بوده و مبلغ مساوی دریافت میدارند تقدیم میدارد .

اطمینان میدهم آقای محترم که در نهایت احترام صمیمی شما هستم

امضای گوراوزلی

به آقای ویلیام استیل بالقابه

کارد و چنگال - مبلغ تخمینی ۶۰ پوند
 انواع کاغذ ، مداد و غیره < ۲۰۰
 جای لباس زنانه ، لوازم التحریر و میز کار < ۱۰۰
 مطبوعات کتابها و نقشه و غیره < ۱۵۰
 جعبه اسباب نقشه کشی و قوطی رنگ و قوطی عینک و غیره ۷۰ پوند
 در حدود ۵۸۰ پوند

نوکر های میرزا ابوالحسن

کربلائی حسن ۵۰ پوند
 محمد علی بیک < ۵۰
 عباس بیک < ۵۰
 غلام حسین < ۵۰
 هاشم < ۵۰
 محمد رحیم < ۵۰
 حسین < ۵۰
 حاجی عبدالله < ۵۰
 صادق < ۵۰

۴۵۰ پوند

نمره - ۸

شماره ۱۶ کوچه پارك

خصوصی

دوشنبه ۲۸ مه ۱۸۱۰

آقای محترم

امیدوارم اقدامات و تذکراتی که گاهگاهی در نتیجه صحبت بامیرزا پیشنهاد میشود با حسن قبول تلقی خواهید فرمود. اطلاع حاصل کرده‌ام که شاه ایران آینه‌های بزرگ را بسیار دوست دارد و کونکه - غیر او به کمپانی معرفی شده است بجا خواهد بود که دو زوج از بزرگترین آینه‌هایی که تاکنون در شرق دیده شده برای او فرستاده شود. پس از رسیدن آینه‌ها بیوشهر، شاه، برای آوردن آنها دستور خواهد داد و این موضوع سبب صرفه جوئی مبلغ زیادی از هزینه خواهد شد.

تصور میکنم دو وزیری که تنها مشاور شاه هستند و در صد تهیه و ارسال نامه بعنوان آنها میبایست انتظار دارند نامه‌ها با تحف و هدایا همراه باشد، در خصوص جنس این هدایا صورتی تقدیم داشته‌ام برخی از اشیائی که در صورت نامبرده شده با چند تکه زری و موسلین و غیره که تهیه آنها در بمبئی باسانی ممکن است کافی خواهد بود و ماهوت مخصوصا رنگهای شنگرفی آبی، سبز پررنگ هدیه پرارزشی است که بسیار مورد پسند خواهد بود ولی نمیتوان از پارچه‌ها زیاد تقسیم کرد و پس از اینکه میرزا را بانبار پارچه هدایت کردم معلوم شد پارچه‌های ماهوت درجه یک از همان تقسیم که مامیوشیم بهترین و شایسته‌ترین هدایا بوده و بهتر است که بجای یک تکه، بقواره‌های ۲۱ یاردی تقسیم شود اطمینان میدهم این مخارج که تحت نظر اینجانب میشود بیهوده و بی نتیجه نخواهد بود.

قبلا بارها به سلف شما و خود شما تذکر داده‌ام که باید بمیرزا نیز مبلغی بهمان میزان که به محمدنبی خان و سایرین پرداخته میشده داده شود زیرا این شخص در اینجا برای نزدیک شدن بشخص اول خطرات زیاد و اقدامات مشکوک‌التیجه‌ای را متحمل شده در حالیکه مامورین قبل از اوقفت مأموریتشان نزد مامورین شما در هندوستان بود؛ از این جهت معتقدم مبلغ مشابهی (هزار و پویه در ماه) باید باو داده

شود و این مبلغ کافی خواهد بود که او را برای همیشه علاقمند و وابسته به علائق
کمپانی محترم بنماید و این وجه قلیلی است که کاملاً بجا خرج شده است .
در عین حال توصیه میکنم که این وجه باید از طریق دادی شود
که همواره در اختیار سفیر باشد تا هر وقت که رفتار میرزا مخالف انتظار
بوده و آنچنانکه شایسته است سودمند و قابل استفاده نباشد مستمری قطع
شود . اطلاع دارم که کمپانی پرداخت نظیر این مخارج را تصویب نمیکند
ولی چنانکه نامه ای بفرماندار کل یا فرماندار بمبئی بنویسید جواب
کافی و موافق دریافت خواهید فرمود چه آنان همواره دستور شما و معاون
را با کمال افتخار اجابت مینمایند و این مقرری برقرار خواهد گردید میرزا
انتظار دارد که این مقرری از روزی که مأموریت یافته و یلاً اقل از روز
ورود بانگلستان در وجه او پرداخت شود .

از این مزاحمت خود معذرت میخواهم اما منافع کمپانی محترم هند
شرقی را همیشه وظیفه خود میدانم .

امیدوارم که مرا از صمیمیترین دوستان بشمارید .

امضای گوراو زلی

آقای ویلیام استل بالتا به



افغانستان

روابط سیاسی ایران و افغانستان

توسط مترجم این کتاب تهیه شده بمصادق مثل، الجار
نهاددار، برای اطلاع از وضع کشور دوست و برادر ما افغانستان
و همچنین پیشنهاد مهم و حیاتی اتحاد ایران و افغانستان
مطالعه این کتاب را توصیه میکنیم.

بها

۱۸ ریال